روند افراط‌گرایی در صفوف پولیس ملی افغانستان

گزارش کاربردی

کابل - قوس ۱۳۹۴ خورشیدی



AISS-04-2015
November 2015

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان
Afghan Institute for Strategic Studies

روند افراط‌گرایی در صفوف پولیس ملی افغانستان

نتایج تحقیق در 11 ولایت افغانستان

کابل ـ قوس 1394

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان
Afghan Institute for Strategic Studies



روند افراط‌گرایی در صفوف پولیس ملی افغانستان

نویسندگان: رابرت زمان و جنرال عبدالهادی خالد
ویراستاری: غلامرضا ابراهیمی و حسین‌علی کریمی
سنبله 1394 خورشیدی
آدرس: کارته پروان، قلعهٔ 9 برجه، کابل، افغانستان
www.aiss.af

روند افراط‌گرایی در صفوف پولیس ملی افغانستان

نویسندگان: رابرت زمان، جنرال عبدالهادی خالد

پژوهشگران اصلی: عبدالاحد محمدی، مریم هوتکی، مصعب عمر

بررسی دقیق پژوهش:

* پروفسور شهربانو تاج‌بخش، رئیس برنامهٔ امنیت انسانی دانشگاه پاریس
* داکتر سونل داس گوبتا، رئیس برنامه سیاسی دفتر (شدی گرو)
* امرالله صالح، رئیس اسبق امنیت ملی افغانستان
* دیوید سدنی، معاون اسبق دستیار وزیر دفاع مرتبط با افغانستان، پاکستان و آسیای مرکزی

هماهنگ‌کنندهٔ کار ساحوی: غلام‌رضا ابراهیمی

پژوهشگران ساحوی:

حسن جعفری	جعفر حسین‌زاده
محمد قدم‌شاه	بشیراحمد عثمانی
فضل‌احمد عبید	عبدالبصیر محب
عیسی‌محمد ظاهر	محمدیعقوب صالح
حسین کاظمیان	عبدالله توکلی
محمدظاهر سرحدی	آغاشیرین شکوهمند
دُرمحمد خان	احسان‌الله حمیدی
مطیع‌الله محمداسلم	خالد یوسف‌زی
خلیل‌الرحمن نوری	محمدرسول ظاهری
عبدالصمد امیری	نصرالله غوری
عبدالقدیر وفا	جواد سلطانی

با همکاری انستیتوت صلح ایالات متحده (USIP)

فهرست مطالب

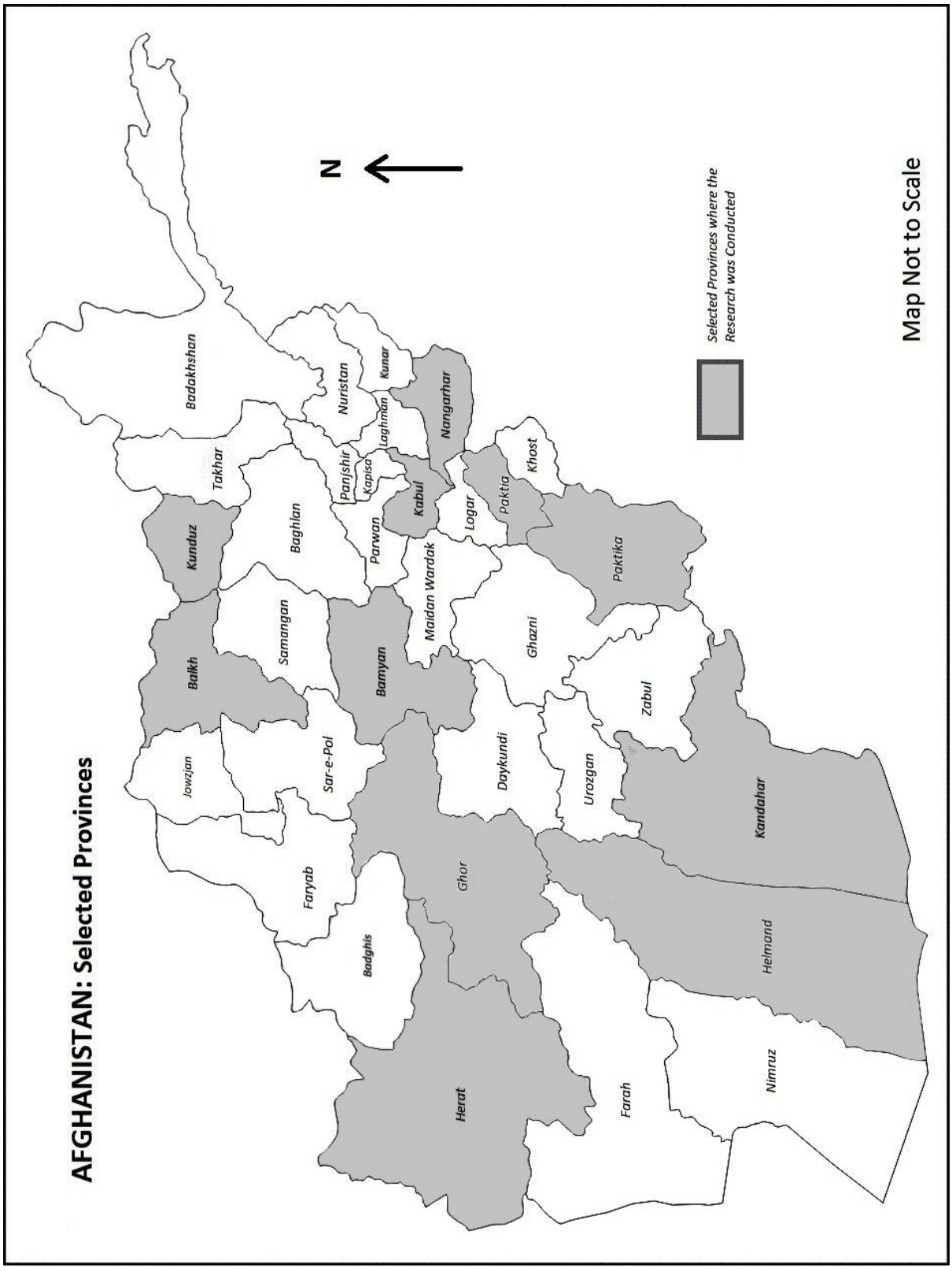
سرآغاز و سپاس‌گزاری 1
علائم اختصاری 2
چشم‌انداز 3
یافته‌های اساسی 5
پیشنهادات 6
مقدمه 9
یافته‌های تحقیق 13
انحراف سیاسی 13
افراط‌گرایی دینی 13
عدم مدارای اجتماعی 14
انحراف سیاسی: دموکراسی، مشارکت بین‌المللی و احیای حکومت طالبان 14
دیدگاه‌ها دربارۀ رهبران و حکومت افغانستان 14
دیدگاه‌ها دربارۀ ناتو (NATO) و نیروهای هم‌پیمان 16
دیدگاه‌ها در صورت قدرت‌یابی و حکومت دوبارۀ طالبان 19
خلاصۀ مطالب انحراف سیاسی 20
افراط‌گرایی دینی: عقاید و تفاسیر مذهبی، پذیرش و سازگاری با دموکراسی 21
دیدگاه‌ها دربارۀ تفسیرهای دینی و اعتقادی 21
دیدگاه‌ها دربارۀ پذیرش و تحمل دینی و مدارای قومی و فرقه‌ای 22
دیدگاه‌ها دربارۀ سازگاری اسلام و دموکراسی 24
خلاصۀ مطالب افراط‌گرایی دینی 25
عدم تحمل اجتماعی: هنجارها و ارزش‌های بین‌المللی، زنان، حقوق بشر و جامعه افغانستان 27
دیدگاه‌ها دربارۀ زنان و حقوق بشر 27
دیدگاه‌ها دربارۀ ارزش‌های پذیرفته‌شدۀ بین‌المللی و سازگاری آنها با اسلام 29
دیدگاه‌ها دربارۀ سازگاری ارزش‌های پذیرفته‌شدۀ بین‌المللی با جامعۀ افغانستان 29
خلاصۀ مطالب عدم تحمل اجتماعی 31

نتیجه‌گیری 32
منابع و مآخذ 36
ضمایم 37
ضمیمۀ 1: آمارهای امنیت ملی و نیروهای دفاعی افغانستان 37
ضمیمۀ 2: طراحی تحقیق و روش‌های استفاده‌شده 39
ضمیمۀ 3: پرسشنامه 41
معرفی نویسندگان 49

فهرست گراف‌ها

گراف 1: پتانسیل برای مقاومت خشونت‌آمیز 15
گراف 2: مشروعیت طالبان 19
گراف 3: توجیه مقاومت مسلحانه زیر نام اسلام 22
گراف 4: دلیل تضاد و کشمکش در افغانستان 23
گراف 5: میزان عقاید محافظه‌کارانه 24
گراف 6: سازگاری اسلام و دموکراسی 25
گراف 7: حقوق زنان 27
گراف 8: سازگاری اسلام و دموکراسی 29
گراف 9: سازگاری جامعه افغانی و قوانین بین‌المللی 30
گراف 10: میزان پذیرش ارزش‌ها و هنجارهای بین‌المللی 30
گراف 11: میزان نسبی افراط‌گرایی 32

ولایت‌های تحت پوشش تحقیق



سرآغاز و سپاس‌گزاری

نویسندگان از انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان برای حمایت و پشتیبانی آن و از انستیتوت صلح ایالات متحده برای کمک سخاوت‌مندانه‌اش برای تکمیل این پژوهش سپاس‌گزاری می‌کنند.

همچنین از پروفسور شهربانو تاج‌بخش، مشاور ارشد ما به خاطر نظرات و پیشنهادات اندیشمندانه‌شان برای توسعه و بهبود این پژوهش قدردانی می‌کنیم. همچنین مدیون پژوهشگران ساحوی خود به خاطر تلاششان می‌باشیم. در نهایت قدردان پژوهشگران اساسی خود: خانم مریم هوتکی و آقای مصعب عمر برای بررسی دقیق پروژه و نظارت بر آن، و همچنین آقای عبدالاحد محمدی و حسین‌علی کریمی به دلیل از خود گذشتگی‌شان جهت تهیه مجموعهٔ اطلاعاتی (Data Set) و تجزیه و تحلیل آنها برای این پژوهش هستیم.

علائم اختصاری

AACP	پولیس مبارزه با جرایم افغانستان
AAF	نیروی هوایی افغانستان
ABP	گشت مرزی افغانستان
AISS	انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان
ALP	پولیس محلی افغانستان
ANA	اردوی ملی افغانستان
ANCOP	پولیس ملی نظم عامه افغانستان
ANDSF	نیروهای امنیتی و دفاعی ملی افغانستان
ANSF	نیروهای امنیت ملی افغانستان
APPF	نیروهای محافظت عامه افغانستان
ASNF	نیروهای ویژه مبارزه با مواد مخدر افغانستان
AUP	نیروهای منسجم افغانستان
ISAF	نیروهای بین‌المللی کمک به امنیت
NATO	سازمان پیمان اتلانتیک شمالی
PD	انحراف سیاسی
RE	افراط‌گرایی مذهبی
SI	عدم تحمل اجتماعی
USIP	انستیتوت صلح ایالات متحده
CM	ظرفیت‌های ساختاری

چشم‌انداز

این پژوهش به بررسی و مقایسهٔ روند افراط‌گرایی در میان نیروهای پولیس ملی افغانستان در یازده ولایت می‌پردازد. بعد از تشکیل نیروهای امنیتی و دفاعی افغان، این نیروها با چالش‌های مختلفی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. تصور می‌شود که ریشهٔ بعضی از این مسائل در موجودیت و ترویج ایده‌های افراطی در بین این نیروها است. چالش‌هایی مثل: حملات خودی، قصور در انجام وظیفه، ترک خدمت، غیبت بیش از یک‌چهارم اعضای این نیروها بدون درج اسناد رخصتی و 92 حادثه (که اصطلاحاً به آن «حملات سبز به آبی» اطلاق می‌گردد) از سال 2008 تا به حال اتفاق افتاده، نمونه‌هایی از این قبیل است. در این تحقیق، افراط‌گرایی در کل به انحراف از ارزش‌های میانه‌رو و تحمل‌گرای سیاسی ـ عقیدتی و اجتماعی تعریف شده است. با تمایز بین انحراف سیاسی، افراط‌گرایی مذهبی و عدم تحمل اجتماعی، در این تحقیق 1498 سرباز پولیس، پرسنل نظامی، 151 افسر پولیس و 8 مسئول مراسم مذهبی نظامی (امام قطعه) تحت مطالعه قرار گرفته است. افراد تحت مطالعه، نظریات خودشان را دربارهٔ سیستم سیاسی افغانستان، عناصر مخالف دولت مثل گروه طالبان و دموکراسی با درنظرداشت ارزش‌های اسلامی، زنان و حقوق بشر ابراز کرده‌اند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین دیدگاه‌های میانه‌رو و تحمل‌گرا و طول دوران خدمت نیروهای امنیتی رابطهٔ مستقیماً متناسبی وجود دارد. یعنی افراد هر چقدر مدت بیشتری به خدمت در نیروهای امنیتی پرداخته باشند، میزان تحمل و مدارای‌شان بیشتر است. اما در عین حال، یافته‌ها نشان می‌دهد که ایده‌های افراطی و محافظه‌کارانه متکی بر ایدئولوژی افراط‌گرایی‌اند که در صفوف نیروهای امنیتی وجود دارد. چنین دیدگاهای افراطی در برخی از ولایات از جمله قندهار، کندوز و پکتیکا بیشتر دیده می‌شود. همچنین در ولایات ذکرشده، نظریات منفی راجع به توافق و پذیرش کنوانسیون‌های بین‌المللی در مورد زنان و حقوق بشر، ارزش‌های دموکراتیک و سازگاری این ارزش‌ها با ارزش‌های اسلام بارز است. به طور مشخص این پاسخگویان استدلال کرده‌اند که این نیروها موظفند با نادیده‌گرفتن مقرارت امنیتی و نظامی علیه رهبران سیاسی و نظامی که فاسد یا منتقد ارزش‌های اسلامی هستند، مسلح شوند؛ و در صورت نیاز، از دستورات و مقرارت سرپیچی کنند. افزون بر این، بعضی اوقات دیده می‌شود که این نیروها با داشتن ارزش‌های محلی، بیشتر تحت تأثیر اعتقادات رهبران محل زندگی‌شان قرار دارند. این امر باعث می‌شود که ارزش‌های محلی‌ای که این نیروها در ذهن دارند با ارزش‌های ملی‌ای که حین ورود به صفوف پولیس با آنها مواجه

می‌شوند، در تقابل قرار بگیرد. این مشکل زمانی پیچیده‌تر می‌شود که افراد پولیس در محل زندگی خودشان به اجرای وظیفه می‌پردازند. این مسأله باعث می‌شود تا مشروعیت دولت مرکزی در ذهن این افراد زیر سؤال رفته و در نهایت منجر به نارضایتی این افراد شود؛ و آنها بیشتر جذب سلیقه‌ها و ارزش‌های قومی و قبیله‌ای شوند. چنین حسی منجر به بی‌اعتباری نسبی نخبگان سیاسی و نظامی در بین نیروهای امنیتی می‌شود. البته با وجود میزان نسبی دیدگاه‌های محلی، تعداد زیادی از پاسخگویان بر این باورند که رئیس‌جمهور، مرجع مشروع فرماندهی است. و پیشنهاد می‌کنند که محو فساد، نخستین گام برای ساختن اعتماد و جلب حمایت همگان از حکومت فعلی در افغانستان است. البته این امر را نباید فراموش کرد که نیروهای امنیتی و دفاعی در واقع ابزار دولت در اجرای قانون و حفظ مشروعیت و قدرت دولت است. ناکام‌بودن دولت افغانستان در امر اعتمادسازی و هماهنگی میان نیروهای امنیتی و دفاعی برای تطبیق ایدئولوژی ملی‌گرایانه نه‌تنها در تضاد با حاکمیت است، بلکه این ناکامی خطر تضادهای ایدئولوژیکی و عملی را در بین نیروهای عادی امنیتی و نظامی بیشتر می‌سازد.

این پژوهش نخستین تحقیق از سلسله تحقیقات انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان است که روند افراط‌گرایی را در صفوف نیروهای امنیتی و دفاع ملی افغانستان مورد مطالعه و بررسی قرار داده است. انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان نخستین تحقیقاتش دربارۀ جریان افراط‌گرایی را در سال 2013 آغاز کرد؛ و با همین محور، تاکنون مطالعاتی را در زمینۀ مدارس دینی غیررسمی، رسانه‌های اجتماعی و دانشگاه‌های افغانستان انجام داده است.

یافته‌های اساسی

- انحراف سیاسی نشانگر میزان نارضایتی و مقاومت‌ها در مقابل سیستم سیاسی است که به صورت کلی قبول شده است که هدف آن ایجاد حکومت موازی است. انحراف سیاسی شامل ارزیابی و بررسی اعتماد به ساختار حکومت فعلی و دیدگاه‌های مرتبط با مشروعیت این حکومت است.
- بیش از 68 درصد از پاسخگویان معتقدند که فساد در سطوح مختلف نیروهای امنیتی و رهبری سیاسی و نظامی آن موجود است. این در حالی است که بیش از 72 درصد نیز بر این باورند که با وجود حضور و صلاحیت دادگاه‌های نظامی، مقابله مسلحانهٔ مردمی علیه کسانی که مفسد شناخته می‌شوند، قابل توجیه است.
- حدود 11 درصد از پاسخگویان با انگیزهٔ مبارزه علیه نفوذ طالبان به نیروهای پولیس پیوسته‌اند. نزدیک به 20 درصد از آنها انگیزه‌های اقتصادی را دلیل اصلی خود برای پیوستن به این نیروها دانسته‌اند. اکثریت پاسخگویان (67 درصد) دلیل پیوستن‌شان به نیروهای پولیس را حفاظت از کشور ذکر کرده‌اند.
- اکثر حملات سبز بر آبی به دلیل انگیزه‌های شخصی بوده است نه اقدام‌های جمعی. این مسأله نشان‌دهندهٔ این است که نارضایتی‌های فردی، حالات روحی و باورهای ایدئولوژیک فردی، انگیزه‌های اساسی برای این اقدامات بوده است.
- افراط‌گرایی مذهبی عبارت است از: انحراف از دیدگاه‌ها و شیوه‌های میانه‌روی مذهبی و چرخش به سوی تفسیر تندروانهٔ آموزه‌های دینی. این فرایند اغلب برگرفته از نسخه‌های عدم تحمل و تبعیض و فراخوانی برای مقاومت‌های خشونت‌آمیز در مقابل تهدیدهای ایجادشده توسط سیستم‌های فرسودهٔ مجریه و مقننه است.
- 83 درصد از پاسخگویان بر این باورند که مقاومت‌های مسلحانه در مقابل منتقدین اسلام قابل توجیه است. این در حالی است که 76 درصد از پاسخگویان ولایت پکتیا معتقدند که طالبان در گذشته، رهبران دینی خوبی بوده‌اند. اما قابل ذکر است که این به این معنی نیست که طالبان هنوز هم از نظر این پاسخگویان مشروعیت دینی دارند. همچنین آنها بر این باورند که تنش‌های فرقه‌ای بین مرکز و آنها در این ولایت موجود است.

- تقریباً 10 درصد از پاسخگویان ولایات پکتیکا و پکتیا معتقدند که حملات انتحاری یک نمونهٔ توجیه‌شدهٔ مقاومت‌های مسلحانه علیه کسانی است که آشکارا با اسلام مخالفت می‌کنند.
- نسبت به دیگر ولایات، پاسخگویان ولایت کندوز بر عدم تطابق دموکراسی با اسلام بیشتر معتقدند. همچنین این پاسخگویان معتقد به ایجاد نظام اسلامی هستند که خود نشان‌دهندهٔ این است که بسیاری از آنها علاقه‌مند به ایجاد رهبری دینی بدون درنظرداشت ارزش‌های دموکراسی است.
- یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اکثریت پاسخگویان، وجود تفاوت‌های قومی و مذهبی را می‌پذیرند. نزدیک به 25 درصد از پاسخگویان در جریان خدمت، معتقدند که تبعیض قومی در جامعه، متأثر از جنگ در افغانستان است.
- نزدیک به نیمی از پاسخگویان تحقیق معتقدند که کنوانسیون‌های بین‌المللی در خصوص حقوق زنان و حقوق بشر با ارزش‌های اسلامی هم‌سویی ندارد. این نظریات بیشتر از ولایات کندوز و قندهار می‌باشد.
- بیش از 80 درصد پاسخگویان ولایت قندهار، لت‌وکوب زنان به دلیل سرپیچی از قوانین اسلامی و یا بی‌احترامی به سنت و فرهنگ افغانستان را تأیید می‌کنند.

پیشنهادات

- باید به نگرانی‌های ناشی از فساد در میان صفوف پولیس ملی افغانستان، نظامیان و رهبران سیاسی رسیدگی شود. چرا که فساد، توانایی‌های نیروهای امنیتی و دفاعی را برای ایستادگی در برابر رهبران سیاسی آغشته به فساد تحت تأثیر قرار می‌دهد. طرح‌ریزی برنامه‌هایی جهت پایان‌دادن به قوم‌گرایی، روابط سمتی و ایجاد برنامه‌های نظارتی، می‌تواند از جملهٔ اولین گام‌هایی باشد برای افزایش اعتماد در میان سطوح مختلف پولیس ملی افغانستان و کاهش احتمال شورش آنان.
- بازدید از نیروهای تازه و پی‌گیری برنامه‌های درسی آنان و به طور خاص توسعه‌دادن آگاهی ملی و ازبین‌بردن سوءتفاهم‌های ایجادشده در قبال سازگاربودن هنجارها و ارزش‌های بین‌المللی در مقابل جامعه و فرهنگ افغانستان. این طرح‌ها باید برنامه‌های آموزشی را استانداردسازی کرده

تا نیروهای امنیتی از ارزش‌های دموکراتیک، توانایی‌های دولت، نقش نیروهای امنیتی و دفاعی در برابر قانون و استفادهٔ درست از آنها آگاهی یابند.

- ایجاد و ادارهٔ برنامه‌های گروهی، ایجاد ارتباط با جوامع محلی و ازبین‌بردن پدیدهٔ قوم‌گرایی. ناکامی در ازبین‌بردن اختلافات بین تعلقات و ارزش‌های محلی نیروهای امنیتی با ارزش‌های ملی باعث تنش و بی‌اعتمادی بین این نیروها می‌شود. در نتیجه، بهتر است در برنامه‌های آموزشی برای این نیروها به این مورد توجه شود.
- افزایش برنامه‌های آموزشی برای بالابردن توان روحی ـ روانی نیروهای امنیتی و تاکتیک‌های ضد نفوذی در مقابل تاکتیک‌های نفوذی افراد محلی طالبان.
- نظارت بر روند پیشرفت طرح‌های آماده‌شده برای ارزیابی‌های اولیه از صحت روانی افرادی که می‌خواهند به صفوف نیروهای امنیتی بپیوندند. نارضایتی‌های شخصی و دشمنی بین نیروهای امنیتی، نهایتاً در میان سطوح این نهاد و در برابر نیروهای خارجی خشونت‌آمیز بوده و منجر به فرار و یا ترک خدمت آنان می‌شود.
- برگزاری و هماهنگی مراسم دینی تحت هدایت عالمان دین برای ایجاد سازگاری بین ارزش‌های اسلامی و هنجارها و ارزش‌های پذیرفته‌شدهٔ بین‌المللی.

مقدمه

در واکنش به حملات بعضی از نیروهای افغان بالای همکاران خارجی‌شان، سخنگوی نظامی انگلستان می گوید: «فکر می‌کنم این نشان‌دهندۀ میزان نفرت از ماست که خود در ایجاد آن نقش داشته‌ایم. جالب این است که این حملات توسط طالبان صورت نمی‌گیرد و این برخلاف انتظار من است. این نشان‌دهندۀ خستگی مردم عادی افغان در صفوف نیروهای امنیتی از ماست. شاید آنها توسط طالبان آلوده به فساد شدند، اما کسی نمی‌داند. نکتۀ اصلی این است که شماری از افغان‌های بسیار عادی مرتکب این عمل می‌شوند؛ و اثر آن بر سربازان ما که برای آموزش‌دادن به آنها در کنارشان حضور دارند، بسیار مخرب است.» اکنون سیستم جدید محافظتی به نام «فرشتگان نگهبان» را آمریکایی‌ها معرفی کرده‌اند. کارکرد این سیستم طوری است که گروه‌های تحت آموزش، توان واکنش سریع را در مقابل چالش‌هایی مثل حملات خودی آموزش می‌بینند. (مصاحبه با کمیتۀ دفاعی انگلیس)

در تاریخ 29 جنوری 2015 سه تن پیمانکار امریکایی، توسط یک عضو خدمتی اردوی ملی افغان با تفنگ به قتل رسیدند. طالبان فوراً مسئولیت این رویداد را به عهده گرفت، با تأیید این امر که حمله‌کنندۀ مقتول، عضو نفوذی آنان بوده است.[1] در یک رویداد دیگر (8 اپریل 2015) یک تن از نیروهای اردوی ملی افغان در شاهراه کابل ـ جلال‌آباد بر نیروهای بین‌المللی زمانی تیراندازی کرد که کاروان آنها برای همراهی

دیپلمات‌های امریکایی، بعد از دیدار با والی جلال‌آباد در حال بازگشت به کابل بودند. در این حمله 2 تن کشته و 2 تن دیگر زخمی شدند.[2] یک سال پیش (15 سپتمبر 2014) در دو رویداد حملهٔ سبز بر آبی، 4 تن از نیروهای بین‌المللی کمک به امنیت به قتل رسیدند.[3] همچنین در این تاریخ، انتحارکننده‌ای خود را نزدیک دادگاه عالی در کابل منفجر کرد. در همین حال، در هرات یک عضو نیروهای دفاع و امنیت ملی افغانستان بر آموزگاران بین‌المللی تیراندازی کرد که در نتیجه، یک تن از آنان کشته شد و طالبان فقط مسئولیت حمله روی‌داده در کابل را به عهده گرفت. در مجموع از ماه سپتمبر 2008 تا اپریل 2015، 92 حملهٔ سبز بر آبی در افغانستان ثبت شده است. طالبان فقط مسئولیت چند مورد از حمله‌ها را به عهده گرفتند و مسئولیت موارد انگشت‌شمار دیگر را نپذیرفتند. این برای همه سؤال‌برانگیز است که انگیزه‌های اساسیِ پشت این حملات چه بوده است؟ و اینکه آیا بین مقامات بلندرتبهٔ نیروهای امنیتی و دفاعی، عناصری بوده‌اند که از این حملات پشتیبانی کنند؟

حملات سبز بر آبی از سال 2008، روندی روبه‌افزایش در میان نیروهای دفاعی و امنیتی ملی افغان داشته است. در سال 2012 شمار آنها به حد نهایی رسید و پس از آن به تدریج کاهش یافت. سال 2012 با حوادثی نزدیک به سه برابر تعداد سال گذشته همراه بود. برداشت عمومی این است که این افزایش در پاسخ به اطلاعیهٔ آمریکا برای پایان‌دادن به عملیات جنگی، کنارکشیدن نیروهای جنگی و انتقال مسئولیت‌های امنیتی به نیروهای افغان بوده است. در حالی که در سال‌های 2013، 2014 و 2015 این حوادث کاهش تدریجی داشته است و اعتقاد این است که این کاهش بر اثر کم‌شدن ارتباط نزدیک میان نیروهای ناتو و نیروهای افغان، بهبود در روند بررسی و اجرای برنامهٔ «فرشتهٔ نگهبان» به وجود آمده است. برنامه فرشتهٔ نگهبان (دستور داده‌شده توسط قومندان آیساف، جنرال جان آلن) نیروی انسانی بیشتری برای نظارت بر پرسنل افغان در جریان عملیات، آموزش و نشست‌ها فراهم می‌کند. در سال 2012، حملات سبز بر آبی دربرگیرندهٔ 15 درصد از مرگ‌ومیر نیروهای ائتلاف بوده است؛ و این درصد در سال 2011، 6 درصد، در سال‌های 2010 و 2009، 2 درصد و در سال 2008، کمتر از یک درصد بوده است. این ارقام بازتاب‌دهندهٔ کاهش در نرخ مرگ‌ومیر نیروهای ائتلاف ناشی از حملات سبز بر آبی، ممکن است نتیجهٔ افزایش اقدامات پیشگیرانه و کاهش نیروهای خارجی در کشور بوده باشد.

شمار نیروهای امنیتی افغان حدود 328805 نفر ذکر شده است. این نیروها شامل ارتش، نیروی هوایی و پولیس است. از این میان تا تاریخ 29 جون 2015، شمار نیروی‌های پولیس ملی افغانستان 155182 نفر بوده است که از این تعداد، 95389 نفر آنها را پولیس یونیفورم‌دار تشکیل می‌دهد. این مجموعه از نیروهای

پولیس، مسئول انجام وظایف عمومی از جمله کنترل مرزی، مبارزه با مواد مخدر، مبارزه با اغتشاشات عمومی، آتش‌سوزی و مبارزه با تروریسم هستند. شمار اردوی ملی افغانستان 167024 نفر است که از آن میان، 11000 نفر نیروی ویژه‌اند که تحت فرمان رئیس‌جمهور در سراسر کشور فعالیت می‌کنند. نیروی هوایی افغانستان تقریباً 7000 نفر بوده و مجهز به 100 فروند طیاره نظامی است.[4] تعداد نیروهای زن حدود 2000 نفر ذکر شده است. به گفتهٔ وزارت دفاع ایالات متحدهٔ آمریکا، این نیروها که نزدیک به نیم میلیون نفر است، از 87 درصد جمعیت افغانستان نمایندگی می‌کنند.[5]

در سال 2013 و دور پنجم انتقال مسئولیت‌های امنیتی، مراحل نهایی انتقال حفظ امنیت از نیروهای ناتو به نیروهای امنیتی افغان در تاریخ 1 جنوری 2015 صورت گرفت. بعد از آن تنها عدهٔ محدودی از مربیان و مشاوران تحت رهبری ناتو برای پشتیبانی از ادامهٔ مأموریت حضور دارند. اما این حمایت مستمر، موانع و دغدغه‌هایی مانند روبه‌روشدن با مهاجمان داخلی و خودی را به همراه دارد.

در تاریخ 14 مارچ 2012 برای واکنش به حملات خودی، مقامات سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) برنامهٔ «فرشتگان نگهبان» را معرفی کردند. هدف عمدهٔ این برنامه، نگهبانی از نیروهای بین‌المللی در مؤسسات مختلف، بهبود فرآیند بازرسی، مهار نفوذ گروهای شورشی و افزایش آگاهی فرهنگی در صفوف نیروهای آیساف است؛ همچنین نظارت و بررسی مجدد افرادی که از مرخصی یا دورهٔ غیبت بازمی‌گردند. در حال حاضر مکانیزم اطلاعاتی و ضد نفوذی نیز برای نظارت بر رفتار و کارکرد پرسنل ایجاد شده است. این اقدامات احتیاطی در واقع می‌تواند مکانیزم واکنشی مؤثری باشد، ولی نمی‌تواند به شناسایی ریشه‌های چنین حوادثی کمک کند.

بر اساس اطلاعات ثبت‌شده، نیروهای اردوی ملی افغانستان (با 59 درصد) مرتکب بیشترین تعداد این حمله‌ها (سبز به آبی) شده‌اند. در همین حال پولیس ملی افغانستان با (35 درصد)، دفاع ملی افغانستان با (2 درصد) و افراد قراردادی با (4 درصد) در رده‌های بعدی قرار دارند. برخی انگشت انتقاد را به سمت ضعف مدیریت دفاعی و بی‌احترامی آشکار نیروهای آمریکایی و نیروهای ائتلاف در مقابل نیروهای امنیتی و دفاعی افغان نشانه می‌روند. برخی دیگر نفوذ جاسوسان خارجی در صفوف نیروهای امنیتی و دفاعی کشور را عامل این رویدادها می‌دانند. ولی مقامات افغان مدعی‌اند که شواهد به‌دست‌آمده مانند مکالمات تلفنی در جریان جستجو و بازجویی از عاملان، نشان‌دهندهٔ دخیل‌بودن کشورهای همسایه در این موضوع است. اما برخی دیگر استدلال می‌کنند که نیروهای نفوذی طالبان مسبب این حملات بوده‌اند. همچنین با کاهش نیروهای بین‌المللی این نفوذ در داخل نیروهای امنیتی گسترش یافته است. با این حال، نتیجهٔ فشردهٔ تحقیقات پیشین

دربارهٔ حملات خودی، نشان می‌دهد که نزدیک به 25 درصد حملات به دلیل نفوذ طالبان صورت گرفته است. این در حالی است که عواملی چون حادثه (2 درصد)، نارضایتی (1 درصد)، فشار روانی (1 درصد) و مجادله (5 درصد) رتبه‌های بعدی حملات خودی را تشکیل می‌دهند. البته قابل ذکر است که بیش از 66 درصد عوامل چنین حملاتی شناسایی نشده است. در این تحقیق، افراط‌گرایی به عنوان عامل اصلی و بالقوهٔ حملات خودی فرض شده است. روند افراط‌گرایی که بیشتر برگرفته از تنش و تضادهای ایدئولوژیکی موجود و اعتقادات همسو است، غالباً حالت خشونت‌آمیزی از اختلال فکری، عدم اطاعت و رعایت از قانون و نهایتاً جستجو برای ایجاد خلأ در نظم پذیرفته‌شدهٔ موجود را به خود می‌گیرد. چنین واکنش‌های ایدئولوژیکی، برچسپ جنبشی اجتماعی، سیاسی و عقیدتی برای اصلاحات به خود زده و تلاش می‌کند تا جای پایی در بین مردم باز کند. با توجه به همین اصل، در این پژوهش، سه عنصر مهم روند افراط‌گرایی از جمله: انحراف سیاسی، افراط‌گرایی مذهبی و عدم مداری اجتماعی تحلیل و بررسی شده است. این عناصر، فرمول زیر را تشکیل داده است:

انحراف سیاسی + افراط‌گرایی مذهبی + عدم مداری اجتماعی = افراط‌گرایی

انحراف سیاسی به عنوان جزئی از فرایند افراط‌گرایی، نشانه و میزان نارضایتی و ایستادگی در مقابل نظم سیاسی پذیرفته‌شده و جاه‌طلبی برای ایجاد ساختار حکومت جدید است. انحراف سیاسی توسط نافرمانی مدنی و انجام فعالیت‌های ذاتاً تروریستی و قانون‌شکنی عمدی و انجام و یا تمایل به انجام اعمال خشونت‌بار مشخص شده است.[6] مفهوم انحراف سیاسی به عنوان موضوعی تحقیقاتی با هدف روشنی‌انداختن بر دیدگاه‌ها و بررسی حمایت فردی از رهبری دولت و حکومت، زمینهٔ طرح اولین سؤال اساسی این تحقیق را فراهم کرده است. این پرسش از این قرار است که تا چه حد تجدد و دموکراسی در افغانستان برای مردم قابل قبول است؟ به طور خاص، انحراف سیاسی با مصداق‌هایی از قبیل دیدگاه‌هایی در مورد دولت با ساختار فعلی، مشروعیت انتخابات و اشتراک مردم در آن، سازگاری دولت دموکراتیک با جامعهٔ افغانستان و توجیه مقاومت مسلحانه در برابر دولت ارزیابی شده است.

در بخش بعدی، افراط‌گرایی مذهبی با انحراف از دیدگاه‌های پذیرفته‌شده و میانه‌روی مذهبی و تمایل به سوی تفسیر افراط‌گرایانهٔ آموزه‌های مذهبی تعریف شده است. غالباً این روند را می‌توان با درنظرداشت اطلاعات ثبت‌شده راجع به عدم تحمل، تبعیض و تمایل به مقاومت‌های خشونت‌آمیز علیه نهادهای فعلی مجریه و مقننه مشخص کرد. در واقع این طرز تلقی، طرد و نپذیرفتن کسانی است که از دین اسلام

روی‌گردان شده‌اند.[7] به عنوان ابزار بررسی و سنجش افراط‌گرایی مذهبی، این تحقیق از شاخص‌هایی چون توجیه مذهبی خشونت، عدم تحمل و بردباری در برابر پیروان دیگر ادیان، تبعیض فرقه‌ای و قومی و سرپیچی از اصول دموکراسی استفاده کرده است.

در بخش عدم تحمل اجتماعی، میزان پذیرش هنجارها و ارزش‌های پذیرفته‌شدهٔ بین‌المللی در خصوص حقوق زنان و حقوق بشر به عنوان شاخص‌های سنجش انتخاب شده‌اند. به همین دلیل، برای این تحقیق دیدگاه‌های پرسنل امنیتی در خصوص این اصول و سازگاری آن با هنجارها و ارزش‌های افغانی بررسی شده است. به طور خاص، تمرکز این تحقیق روی دیدگاه‌های افراد مورد مطالعه دربارهٔ هنجارها و ارزش‌های پذیرفته‌شدهٔ بین‌المللی و پای‌بندی افغان‌ها به این اصول، دیدگاه‌های موجود دربارهٔ حقوق زنان و حقوق بشر و نقش آنها در جامعه و سازگاری هنجارهای ملی با ارزش‌های بین‌المللی بوده است. در نهایت مفهوم کلی افراط‌گرایی در این تحقیق، با تحلیل کلی انحراف سیاسی، افراط‌گرایی مذهبی و عدم تحمل اجتماعی که نشان‌دهندهٔ انحراف از ارزش‌ها، باورها و هنجارهای مرتبط با حکومت دموکراتیک، اعتقادات میانه‌روی مذهبی و ارزش‌های پذیرفته‌شدهٔ بین‌المللی‌اند، صورت گرفته است.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های این تحقیق بر مبنای مصداق‌های عمومی افراط‌گرایی از قبیل انحراف سیاسی (PD)، افراط‌گرایی مذهبی (RE) و عدم مدارای اجتماعی (SI) عیار شده است. برای رسیدن به این هدف باورها و عقاید افراد مورد مطالعه، به عنوان واحد سنجش در تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری کلی این تحقیق به کار رفته است:

انحراف سیاسی

- دیدگاه‌ها دربارهٔ رهبران و حکومت افغانستان
- دیدگاه‌ها دربارهٔ ناتو (NATO) و نیروهای هم‌پیمان
- دیدگاه‌ها در صورت قدرت‌یابی و حکومت دوبارهٔ طالبان

افراط‌گرایی دینی

- دیدگاه‌ها دربارهٔ تفسیرهای دینی و اعتقادی در میان پرسنل نیروی امنیتی
- دیدگاه‌ها دربارهٔ پذیرش و تحمل مذهبی و مدارای قومی و فرقه‌ای
- دیدگاه‌ها دربارهٔ سازگاری اسلام و دموکراسی

عدم مدارای اجتماعی

ـ دیدگاه‌ها دربارۀ زنان و حقوق بشر

ـ دیدگاه‌ها دربارۀ ارزش‌های پذیرفته‌شدۀ بین‌المللی و سازگاری آنها با اسلام

ـ دیدگاه‌ها دربارۀ سازگاری ارزش‌های پذیرفته‌شدۀ بین‌المللی با جامعۀ افغانستان

انحراف سیاسی: دموکراسی، مشارکت بین‌المللی و احیای حکومت طالبان

پاسخگویان بر مبنای دیدگاه‌های‌شان دربارۀ رهبری و حکومت افغانستان، حضور نیروهای ناتو و دیگر هم‌پیمانان و احیای حکومت طالبان به منظور سنجش انحراف سیاسی و به‌دست‌آوردن شواهدی از افکار افراطی، مورد مطالعه قرار گرفتند. برای درک ماهیت و میزان وفاداری آنها به حکومت دموکراتیک افغانستان، این تحقیق بر این فرض استوار است که حمایت از قانون اساسی کشور، نشان‌دهندۀ میزان معینی از وفاداری به حکومت فعلی افغانستان است. زمانی پاسخگویان وفادار به رهبران محلی و حکومت طالبانی بودند. از زمان ورود نیروهای بین‌المللی به افغانستان در سال 2001، گزینۀ سوم یعنی همکاری با دولت مرکزی به آنها پیشنهاد شده است. به این لحاظ از پاسخگویان نه‌تنها توقع وفاداری به ارزش‌های قانون اساسی افغانستان می‌رود، بلکه انتظار این است که آنها مجری سیاست‌های مشروع دولت فعلی نیز باشند.

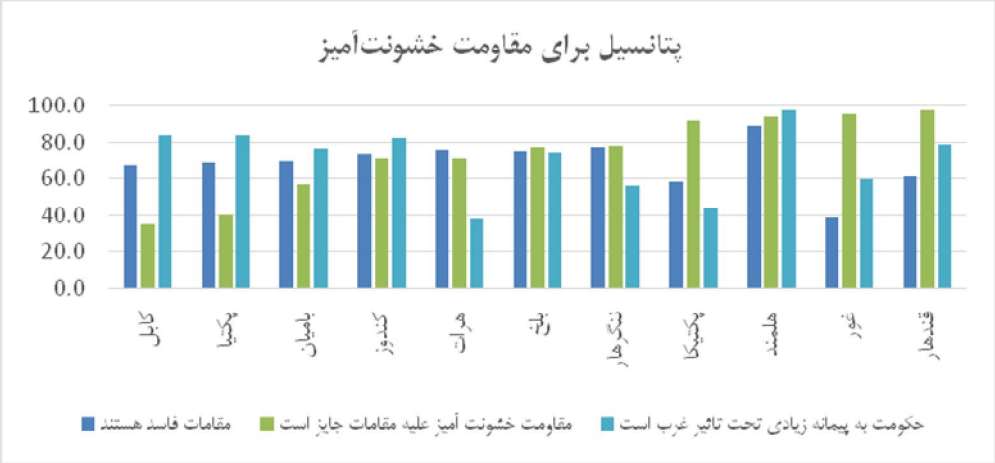
دیدگاه‌ها دربارۀ رهبران و حکومت افغانستان

با درنظرداشت دیدگاه‌ها دربارۀ حکومت مرکزی، بیشتر از نیمی از پاسخگویان (57.3 درصد)، انتخابات قبلی و ساختار حکومت فعلی را مشروع می‌دانند. این در حالی است که بیش از 77.2 درصد پاسخگویان به پای صندوق‌های رأی رفته‌اند. تعداد نسبتاً بالایی از پاسخگویان در کابل، ننگرهار، قندهار و پکتیکا با سابقۀ خدمت کمتر از یک سال، در انتخابات شرکت نکرده‌اند؛ و توأم با افزایش سابقۀ خدمت افراد، تعداد بیشتری از پاسخگویان در انتخابات حضور داشتند.

همچنین پرسیده شد که آیا حکومت دموکراتیک فعلی در کشور با جامعه افغانستان سازگار است یا خیر؟ تعداد نسبتاً بالایی (61 درصد) به این سؤال پاسخ مثبت داده‌اند. در حالی که پاسخگویانی از ننگرهار و قندهار با سابقۀ خدمت پنج‌ساله، به صورت نسبی دیدگاه‌شان تغییر کرده و حس عدم توافق آنها بارزتر به نظر می‌رسد. 96.3 درصد از پاسخگویان معتقدند که رأی‌گیری برای رهبری سیاسی در انتخابات آیندۀ افغانستان مهم است. با این حال، تنها 2.6 درصد از عملکرد سیاست‌مداران راضی بودند. در واقع همزمان با

افزایش سابقهٔ خدمت، تقریباً نیمی از پاسخگویان (49.8 درصد) اعتقاد داشتند که رهبران سیاسی در کابل صرفاً به منفعت شخصی خود می‌اندیشند.

گراف 1: پتانسیل برای مقاومت خشونت‌آمیز



قطعاً بیشتر این نارضایتی‌ها شخصی بوده و ریشه در این مسئله که فساد و قومگرایی در صفوف قوای امنیتی مشهود است. بیش از (68 درصد) از پاسخگویان معتقدند فساد در رهبری و صفوف پولیس ملی افغانستان وجود دارد. در حالی‌که با افزایش سابقه خدمت، (75 درصد) معتقد به نابرابری قومی‌اند و (24.7 درصد) اعتقاد دارند که پشتون‌ها نسبت به اقوام دیگر در نیروهای امنیتی از امتیازات بیشتری برخوردارند.

نگرانی اصلی این است که حدود (72 درصد) معتقدند مقاومت مسلحانه در برابر کسانی که تصور می‌شود فاسدند، موجه است. (95.7 درصد) پاسخگویان ولایت قندهار معتقدند که مقاومت مسلحانه علیه مقامات فاسد، قابل توجیه است. در واقع وقتی که پرسیده شد که چه دلایلی برای پیوستن به گروه طالبان وجود داشته است؛ بسیاری (36.8 درصد) معتقد بودند که نارضایتی از دولت، دلیل اصلی بوده است، نه اجبار یا نفوذ گروه طالبان. بنابراین اکثر افراد در این تحقیق، اعتقاد دارند که دلیل اصلی برای پیوستن اعضای پولیس ملی به طالبان، پیامد نارضایتی از دولت است، نه فشارها برای جذب توسط طالبان.

با این حال، زمانی‌که دربارهٔ استدلال پاسخگویان پرسش شد، اکثر مصاحبه‌شوندگان (65 درصد) ادعا کرند که به دلیل علاقه به کشور خود به صفوف امنیتی پیوسته‌اند، در مقایسه، (18.5درصد) انگیزه‌های مالی را دلیل آن دانستند. این نشان می‌دهد که مشوق‌های مالی در جذب داوطلبانه نیروهای امنیتی دلیل چندان محکمی نیست. با این حال، در این زمینه افراد زیر 40 سال مشوق‌های مالی را تا دو برابر مهم‌تر نسبت به پاسخگویان 40 سال یا بالاتر می‌دانند. یکی از توضیحات احتمالی برای این تفاوت سنی این است که افراد بالای 40 سال ممکن است در حال حاضر حقوق و امنیت اقتصادی مطمئن‌تری را به ارث برده باشند. در

حالی که افراد جوان‌تر در رده‌های پایین‌تر کماکان برای کسب امتیازات مشابه تلاش می‌کنند. در واقع هنگام تفکیک افسران پایین‌رتبه و دیگر افسران، مشخص شد که انگیزه‌های مالی در بین افسران پایین‌رتبه (19.1 درصد) و تقریباً دو برابر (13.9 درصد) بیشتر از دیگر افسران تأثیرگذار است. اولویت‌دادن به انگیزه‌های اقتصادی نسبت به احساس ملی نگران‌کننده است؛ به‌ویژه هنگامی که به سابقه روابط مبتنی بر حمایت اقتصادی دولت و افراد در افغانستان نگاه کنیم. رویکرد تاریخی حاکمان افغانستان نسبت به سازماندهی و ساختار نیروهای امنیتی، ناقص و مبتنی به رویکرد حمایتی بوده و وفاداری این نیروها در نظر گرفته نشده است؛ تا جایی که رهبران قومی معرفی افراد و استخدام آنها به نیروه‌های امنیتی را در ازای معافیت مالیاتی، اجاره رایگان زمین و سایر مشوق‌های مالی انجام داده‌اند. درواقع احیای ارتشی که محافظ حاکمیت ملی یک کشور است در گرو مذاکرات و قراردادهایی است که بین رهبران قومی و مقامات مرکزی صورت می‌گیرد. علاوه بر منافع جامعه محلی و منافع اقتصادی که برای رهبران قومی به وجود می‌آید، این افراد نیز سهم کوچکی از پول و غنایم به دست می‌آورند که نمونه آن را می‌شود در حمله مغول به سرزمین‌های غنی یافت. فرهنگ حمایت اقتصادی، روابط مردم و دولت را براساس ساختار معاش‌دهی، نهادینه خواهد کرد. در حالی‌که مشروعیت و احساس ملی، مستلزم تعهد و وفاداری در روابط است.

با وجودی که یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بسیاری خواهان حکومت و رهبری دموکراتیک هستند؛ ولی نارضایتی از فساد و تبعیض عامل عدم تعهد و محرکی برای مخالفت‌ها و اعمال جنایتکارانه است. مثال روشن این تبصره را به طور بارز می‌توان در ولایات قندهار، غور، هلمند و پکتیکا یافت. فساد در میان مقامات می‌تواند باعث واکنش‌های خشن اما هدفمند برای احیای حکومت بهتر شود. برای نزدیک به (20 درصد) از افرادی که با اهداف مالی عضو نیروهای امنیتی شده‌اند، ادامه رویکرد وفاداری در مقابل معاش صرفاً باعث ظهور حکومت‌های موازی و عامل بقای عقاید ایدئولوژیک هم‌سو می‌شود.

دیدگاه‌ها دربارۀ ناتو (NATO) و نیروهای هم‌پیمان

نارضایتی‌هایی دربارۀ حضور نیروهای ناتو و کشورهای هم‌پیمان در بعضی ولایات وجود دارد. حدود 9.4 درصد پاسخگویان از ولایت کندوز، 6.5 درصد از پکتیکا و 6.5 درصد از غور معتقدند که هراس‌افکنان شکست نخواهند خورد. در حالی که حدود 70 درصد پاسخگویان بر این باورند که دولت و سیاست‌مداران افغان کاملاً تحت تأثیر ارزش‌های غربی‌اند و صرفاً به نفع خارجی‌ها کار می‌کنند. در واقع زمانی که مخالفت با فساد توسط نیروهای افغان باعث اعمال خشونت‌آمیز شود؛ این طرز تفکر برخی از نیروهای امنیتی

می‌تواند باعث شود تا آنها به نیروهای خارجی نیز به خاطر این مسأله حمله کنند. این مشکل در ولایات هلمند، پکتیکا، کندوز و قندهار بارز به نظر می‌رسد.

فاصلهٔ زمانی اندک میان حملات خودی نگران‌کننده است. با وجود این امکان که افزایش حملات در سال 2012 نتیجهٔ مستقیم تلاش طالبان است؛ اما بیشتر از 84 درصد حملاتی که بین سال‌های 2008 تا 2015 رخ داده است، ریشه در تصمیمات فردی افراد داشته و 75 درصد حملات نشان‌دهندهٔ انگیزه‌های مشخصی مانند: اعتراض یا درگیری شخصی بین قاتلان و قربانیان می‌باشد. ولی در عین حال باید اذعان کرد که با وجود محدودیت‌ها در تثبیت شواهد و نبود دسترسی به اطلاعات، به دشواری می‌توان انگیزهٔ واقعی حملات خودی را ثابت کرد. به طور مثال زمانی که افسران اسپانیایی در ولایت بادغیس در سال 2010 توسط رانندهٔ خودی هدف قرار گرفتند، صدها تن در اعتراض به این مسأله با حملِ شعارهای دینی با سنگ و آتش به پایگاه‌های آنان حمله کردند. دو سال بعد (نوامبر 2012) دوباره به سربازان اسپانیایی در همان پایگاه حمله شد. طبیعت چنین اعتراضاتی می‌تواند فردی یا اجتماعی باشد، ولی مهم اینجاست که باید هر کدام جداگانه بررسی شود.

در حادثه‌ای مشابه در تاریخ 11 آوریل سال 2009، یک تن پولیس مرزی در یک درگیری هدف گلوله قرار گرفت.[8] گفته می‌شود که حمله‌کننده حین تیراندازی، مواد مخدر استفاده کرده بود. از یک سو، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که مواد مخدر عامل درگیری بوده است، در حالی که این می‌تواند تنها یک حادثه باشد. در رخدادی دیگر، یک پولیس زن افغان ادعا کرد که صبح روز 24 دسامبر 2012 با هدف قتل یک شخص مهم آماده شده بود. پس از صرف‌نظرکردن از قتل دو زن امدادرسان خارجی که برای کودکان پناهنده لباس جمع‌آوری می‌کردند، می‌خواست به قومندانی امنیهٔ کابل و دفتر رئیس پلیس حمله کند، ولی موفق نشد. او بعداً بالای جوزف گریفین، کارمند «دایان کورپ» تیراندازی کرد. ادعاهای متفاوتی در مورد انگیزهٔ او وجود دارد. یکی از ادعاها این بود که او ایرانی‌الاصل بوده و پاسپورت ایرانی داشته و احتمالاً از بیماری روانی رنج می‌برده است.[9]

روشن است که یافتن انگیزه‌های واقعی این موارد دشوار بوده و ساختار کلی پیوستن به نیروهای امنیتی، نیازمند احیای پروسهٔ استخدام است. تشکیل اولیهٔ نیروهای افغان شتاب‌زده و ناآگاهانه بود. علاوه بر آن، نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان از فرسایش زیاد، محدودیت‌های تدارکاتی، نفاق سیاسی، قوم‌گرایی، استفاده از مواد مخدر و بی‌سوادی رنج می‌برند.[10] حدود 30 درصد از استخدام‌شدگان جوان، معتاد به مواد مخدر، 90 درصد بی‌سواد و 25 درصد از آنها به دنبال ترک خدمت هستند.[11] تعدادی افراد از همان اجتماعی

جذب شده‌اند که مخالف دولت و نیروهای هم‌پیمان هستند؛ و این مسأله، آموزش‌دهندگان را در معرض حملات خودی قرار می‌دهد.[12] در اقدامی برای حل این موضوع، آیساف و وزارت داخلهٔ افغانستان برنامهٔ تکمیلی‌ای را برای بررسی روند استخدام در دستور کار خود قرار دادند. با این حال تکیهٔ مستمر بر رهبران محلی برای تأیید استخدام‌شوندگان، مشکلات جدی‌ای مبتنی بر اختلافات قومی و اعتقادی را به وجود می‌آورد. به طور مثال، در زمان درگیری‌ها با تعدادی از افراد سلیقه‌ای رفتار می‌شود و به آنها به صورت ویژه امتیازاتی داده می‌شود. این امر نه‌تنها باعث دل‌سردی بقیه و اجرانشدن درست وظیفه می‌شود، بلکه باعث درگیری بین اعضا و در بعضی موارد، شورش علیه نیروهای خارجی می‌شود. در واقع، زمانی که پروسهٔ استخدام نیروهای امنیتی و دفاعی متأثر از رهبران محلی باشد، سربازان به جامعهٔ محلی خود متعهد می‌مانند. شرایط در حالی بدتر می‌شود که این نیروها در اجتماع خود مقرر شوند و به خواسته‌های رهبران محلی اولویت دهند.

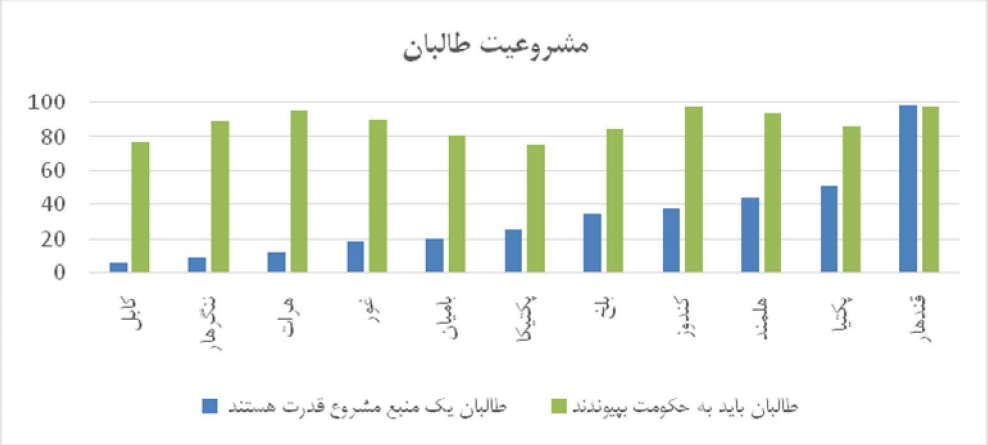
اعتقادات افراد به شدت متفاوت است. تقابل اولویت‌ها می‌تواند مسبب درگیری‌های خشونت‌آمیز شود. تفاوت میان اعتقادات سنتی و افکار دموکراتیک زمانی مشخص شد که پاسخگویان خواسته‌های آیندهٔشان را مطرح کردند. نزدیک به نیمی از آنان (49.8 درصد) خواستار اجرای وظیفهٔ دولتی بودند. در حالی که حدود 47 درصد می‌خواستند بعد از ختم دورهٔ خدمت به خانه‌های‌شان بازگردند. از این میان، 29.6 درصد می‌خواهند بعد از اتمام خدمت به امور خانوادگی‌شان رسیدگی کنند. 2.9 درصد می‌خواستند به عنوان رهبر و نمایندهٔ محل‌شان باشند. همچنان 11.8 درصد می‌خواستند که به کارهای ملکی دولتی رو بیاورند. و فقط تعداد انگشت‌شماری (3 درصد) می‌خواستند به خارج از کشور سفر کنند. این در حالی است که تنها 0.4 درصد تمایل به رهبری مذهبی داشتند.

این یافته‌ها نشان می‌دهد که حدود نیمی از پاسخگویان به ادامهٔ خدمت در نیروهای امنیتی علاقه دارند؛ در حالی که نیمی دیگر به فکر بازگشت به خانه‌اند. اگرچه هنوز دشوار است انگیزه‌های واقعی حملات نیروهای سبز به آبی را شناسایی کنیم، این مطالعه نشان می‌دهد که صلاحیت نیروهای دولت مرکزی و نیروهای هم‌پیمان که در زمینهٔ ظرفیت‌سازی و مشاوره به این نیروها کار می‌کنند، در تقابل با اولویت‌های حکومت‌های محلی است و احتمال دارد که افکار کاملاً متفاوتی داشته باشند. بنابراین این شرایط می‌تواند برای گسترش گرایش‌های افراطی در بین استخدام‌شوندگان قوت گرفته و آنان را در تقابل با نیروهای مرکزی و هم‌پیمانان بین‌المللی قرار دهد.

دیدگاه‌ها در صورت قدرت‌یابی و حکومت دوبارهٔ طالبان

بر اساس یافته‌های تحقیق، 96 درصد پاسخگویان معتقدند که هراس‌افکنان در نهایت شکست می‌خورند. فقط 11 درصد در حملات علیه طالبان حضور داشته‌اند. با سپری‌کردن مدت بیشتری در خدمت، 65 درصد معتقدند که نیروهای طالبان تدریجاً به دولت افغانستان می‌پیوندند. نکتهٔ جالب توجه این است که 86 درصد از پاسخگویان از پروسهٔ ادغام دولت و طالبان حمایت می‌کنند؛ در حالی که بیش از 31 درصد همچنان بر این باورند که طالبان هنوز منبع مشروعی از قدرت‌اند. علاوه بر این، این‌گونه باورها نسبت به همهٔ دسته‌بندی‌های مبتنی بر سابقهٔ استخدام، ثابت باقی می‌ماند. پاسخگویان ولایت کندوز عقاید مرتبط و محکمی داشتند، در حالی که قندهاری‌ها و ننگرهاری‌ها نیز افکار نزدیک و مشابهی دارند؛ به عقیدهٔ آنها شکست هراس‌افکنی صرفاً با شراکت قدرت بین دولت و طالبان ممکن است. در واقع زمانی که پرسش از آیندهٔ طالبان به میان آمد، تعداد اندکی (1.4 درصد) باور داشتند که طالبان پیروز خواهند شد که اکثراً از ولایت کندوز بودند (6.5 درصد). پاسخگویانی که سابقهٔ خدمتی بیش از هفت سال داشتند، موافق با چنین نظری نبودند.

گراف 2: مشروعیت طالبان



بر اساس رویکردهای مدیریتی نیروهای امنیتی و دفاعی، نمایندگان محلی طالبان از استخدام افراد و نیروهای امنیتی در نزدیکی جوامع محلی خودشان سود برده‌اند. چنانکه از ارتباطات و نفوذ افراد محلی و اقوام نیروها، برای قانع‌کردن آنها به ترک خدمت استفاده می‌کنند. بر اساس یافته‌ها تنها چهار نفر از هر ده سرباز، پس از اتمام دورهٔ اولیه،[13] نام‌نویسی مجدد می‌کنند. در حالی که میزان ترک خدمت در حد 25 درصد ثابت مانده است. استخدام اعضای پولیس در جوامع محلی آنها شامل منافعی نیز است. به طور مثال، شناخت دقیق آنها از منطقه می‌تواند منافع استخباراتی داشته باشد و محدودیت‌هایی را در مقابل سوءاستفاده

از جوامع محلی و نفوذ طالبان به وجود آورد. همچنین ممکن است حس شرم و بی‌اعتباری پس از دستگیری اقوام و همسایگان نزد افراد به وجود بیاید. ترک خدمت هنوز یک مشکل جدی است. پیوستن افراد آموزش‌دیده به گروه‌های تروریستی می‌تواند شرایط را پیچیده‌تر و بی‌ثبات کند.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که نه‌تنها تعداد زیادی به شراکت قدرت بین طالبان و دولت مرکزی معتقدند، بلکه همین عقاید ممکن است فرصت تأثیرپذیری از عقاید طالبانی را به افراد داده و آنها را به این فکر واداشته که طالبان و اعمال‌شان مشروع است.

خلاصهٔ مطالب انحراف سیاسی

به طور فشرده، یافته‌های اساسی مربوط به بحث انحراف سیاسی قرار ذیل می‌باشد:

اگرچه بیش از نیمی از پاسخگویان به نهاد ریاست‌جمهوری اعتماد دارند و حدود 80 درصد از آنها در انتخابات قبلی ریاست جمهوری اشتراک کرده‌اند؛ اما فساد اداری و قوم‌گرایی میان مقامات امنیتی و دفاعی و رهبری سیاسی، می‌تواند اعتراض و مخالفت و در نهایت پیوستن آنها به نیروهای مخالف را در پی داشته باشد.

بیشتر از 68 درصد پاسخگویان معتقدند فساد اداری در بین رهبران نظامی و سیاسی وجود دارد. 72 درصد از آنها عقیده دارند که مخالفت مسلحانه علیه مقامات مفسد اداری توجیه‌پذیر است. همچنین یکی از نظریات مهم این است که فساد اداری ریشه در حضور خارجی‌ها و دخالت غربی‌ها دارد. یکی از پیامدهای داشتن چنین طرز فکری در میان نیروهای امنیتی، ممکن است منجر به درگیری مسلحانهٔ نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان با نیروها و مقامات بالارتبهٔ نیروهای هم‌پیمان شود.

حدود 11 درصد با هدف حفاظت افغانستان از سلطه و نفوذ طالبان به نیروهای امنیتی پیوسته‌اند. حدود 20 درصد مشخصاً به دلایل مالی جذب این نیروها شده‌اند. در نتیجه برای بسیاری از افراد، موضوع امرار معاش به جای تعلق‌خاطر ملی ترجیح داده می‌شود. این در حالی است که اکثر پاسخگویان صرف به خاطر وطن‌دوستی به صفوف نیروهای امنیتی پیوسته‌اند.

بسیاری از حملات سبز به آبی به دلایل شخصی و روابط دوستانه به وقوع پیوسته‌اند که نشان می‌دهد عامل آنها می‌تواند اختلافات شخصی، مشکلات روانی و ایدئولوژیکی باشند.

بسیاری از پاسخگویان معتقدند در آینده قدرت بین حکومت مرکزی و طالبان تقسیم خواهد شد. استخدام افراد برای خدمت در جوامع محلی صرفاً باعث توسعهٔ نفوذ و مشروعیت طالبان می‌شود.

برای اثبات این نتیجه‌گیری‌ها، یافته‌های اولیهٔ به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها با مقامات بلندرتبهٔ امنیتی و دفاعی در میان گذاشته شد که نشان‌دهندهٔ نارضایتی‌های جامعه از ادارهٔ حکومت بود. به‌ویژه پاسخگویان معتقد بودند قوم‌گرایی و فساد در سطح بالای مقامات امنیتی و دفاعی می‌تواند ضربه‌ای محکم به ساختار دولت باشد. علاوه بر این، پاسخگویان ادعا می‌کنند اکثر اعضای پایین‌رتبه باور ندارند که برای اهدافی عادلانه می‌جنگند.

قابل ذکر است که تخلف و بی‌توجهی نیروهای ناتو که باعث واردآمدن خسارات به غیرنظامیان شده و به حریم خانواده‌ها لطمه زده است، می‌تواند باعث پیشرفت افراط‌گرایی شود. اگرچه با وجود شواهد، تفکیک بین مبارزه علیه افراط‌گرایی یا مبارزه برای حفظ عزت دشوار است. با افزایش حملات سبز به آبی به‌ویژه در سال 2012، نیروهای ناتو دوباره روند استخدام افراد را بررسی کردند و تغییراتی در مواجهه با عناصر افراطی در صفوف نیروهای امنیتی و دفاعی به وجود آوردند.

روند جدید انتخاب و استخدام نیروهای امنیتی شامل چند مرحله است: معاینهٔ صحی و تست مواد مخدر، جمع‌آوری اطلاعات دقیق هویتی و بررسی اطلاعات شخصی، جمع‌آوری عکس، توصیه‌های دو رهبر محلی، شناسنامهٔ اصلی، بررسی سابقهٔ جنایی و تأیید مقام استخدام‌کننده. قابل ذکر است که تمام ولایات نمی‌توانند از این اصلاحات سود ببرند یا متکی به توصیه‌های رهبران محلی باشند. بیش از همه، عملکرد افراد در میدان جنگ و درگیری در این ساختار در نظر گرفته نشده است.

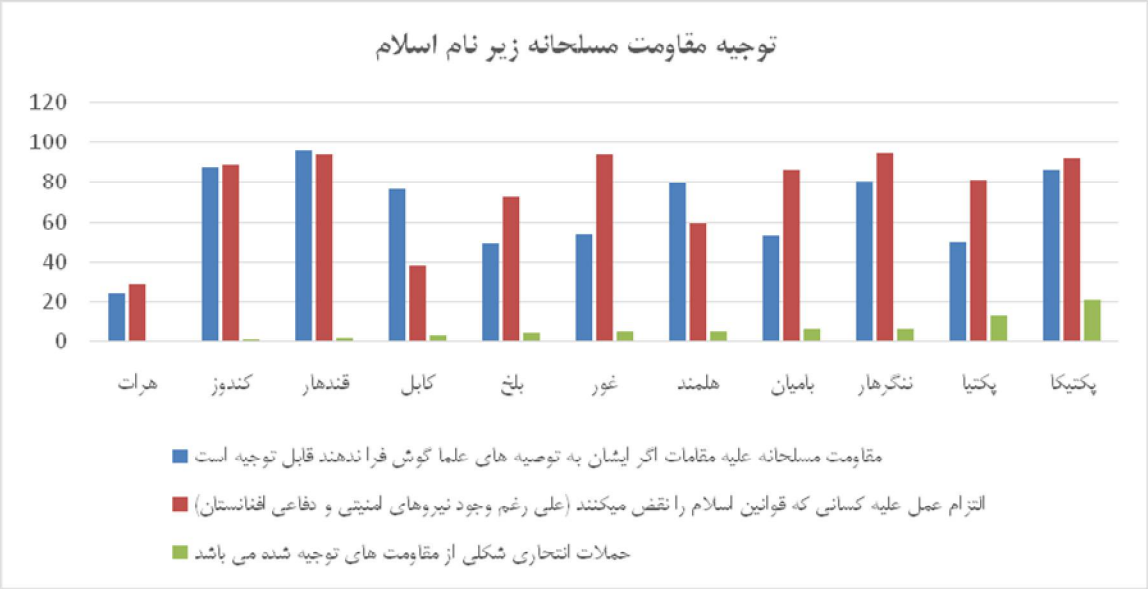
افراط‌گرایی دینی: عقاید و تفاسیر مذهبی، پذیرش و سازگاری با دموکراسی

این بخش، دیدگاه‌های نیروهای امنیتی دربارهٔ عقاید و تفاسیر دینی‌شان، میزان تحمل و پذیرش مذاهب دیگر و دیدگاه‌شان دربارهٔ سازگاری اسلام و دموکراسی را بررسی می‌کند. هدف از مطالعهٔ چنین جزئیاتی، ارزیابی انحراف دیدگاه‌های افراد مورد مطالعه نسبت به عقاید میانه‌روی اسلامی شامل دیدگاه‌هایی دربارهٔ روابط بین مذاهب، دربارهٔ مخالفت مسلحانه و موجودیت ارزش‌های مدرن در افغانستان است.

دیدگاه‌ها دربارهٔ تفسیرهای دینی و اعتقادی

بیش از 83 درصد پاسخگویان معتقدند مخالفت مسلحانه مردم با دولت در صورت مخالفت آشکار با اسلام توسط آنها موجه است؛ به‌ویژه در میان پاسخگویان ولایت قندهار این دیدگاه برجسته‌تر به نظر می‌رسد. با چنین دیدگاهی پاسخگویان در ولایت قندهار بر این عقیده‌اند که خیزش مسلحانهٔ مسلمانان در مقابل افرادی که قوانین اسلامی را زیر پا می‌گذارند، جایز است. پاسخگویان ولایات کندوز و ننگرهار نیز افکار مشابهی داشتند.

گراف 3: توجیه مقاومت مسلحانه زیر نام اسلام



در واقع تعداد خیلی اندکی از پاسخگویان، عموماً از ولایات پکتیکا و پکتیا، معتقدند حملات انتحاری روشی عادلانه در مخالفت و اعتراض با منتقدان اسلام است. با درنظرداشت چالش‌ها و حملات سبز به آبی، و اینکه حمله‌کننده‌ها توسط نیروهای محلی یا بین‌المللی کشته شدند، نمی‌توان با قاطعیت گفت که این‌گونه حملات و جزئیات آن برنامه‌ریزی‌شده باشند. در این رابطه فقط 5 درصد حمله‌کننده‌ها انتحاری بودند که می‌توان گفت این افراد مستقیماً تحت تأثیر افکار افراطی بودند. ولی در عین حال، می‌توان گفت که افسردگی و اضطراب ممکن است عامل چنین عملکردهایی بوده باشد.

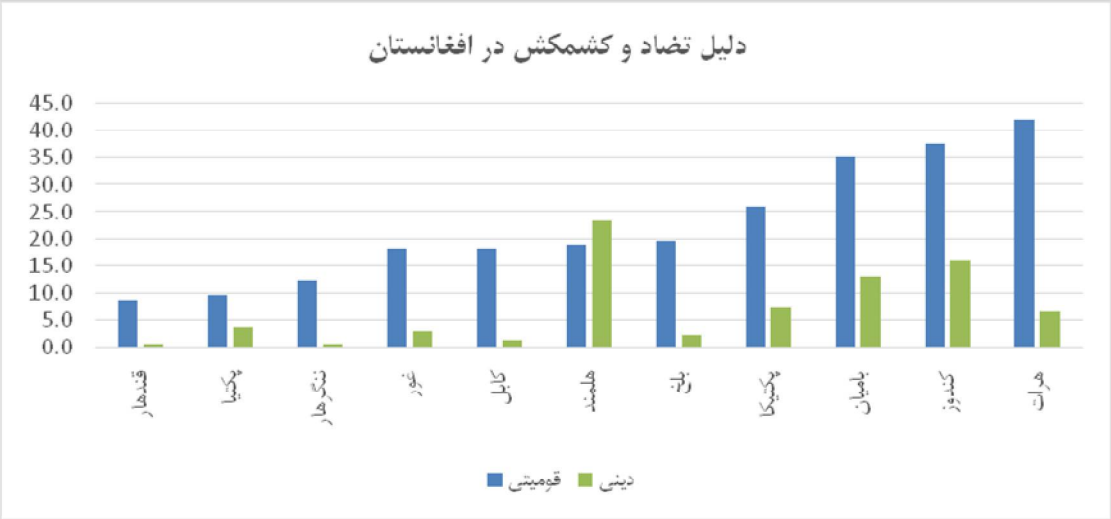
دیدگاه‌ها دربارۀ پذیرش و تحمل دینی و مدارای قومی و فرقه‌ای

هماهنگ با افزایش سابقۀ خدمت، بیش از 67 درصد پاسخگویان معتقدند که اکثر ادیان و مذاهب دست‌آوردهای مثبتی برای جامعه دارند. در حالی که 90 درصد آنها بر این باور بوده‌اند که تمامی مذاهب مورد احترام‌اند. در واقع، هنگامی که روابط نزدیک مسلمانان و غیرمسلمانان در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفت، حدود 90 درصد معتقد بودند که مسلمانان می‌توانند با دیگر ادیان مذاکره و تفاهم‌نامۀ صلح داشته باشند. در حالی که تقریباً همین تعداد، زندگی‌کردن با افراد دیگر ادیان را در یک محله و حتی همسایگی دیوار به دیوار جایز می‌دانستند. حدود 75 درصد از پاسخگویان معتقدند که مسلمانان می‌توانند با غیرمسلمانان سر یک میز غذا بخورند. با این حال، حدود 80 درصد از همین افراد، اعتقاد به تشکیل نظام اسلامی دارند. این باور در میان نیروهای امنیتی وجود دارد که تشکیل نظام اسلامی در واقع در تقابل و تناقض با ادیان دیگر نیست.

همچنین، حدود 98 درصد معتقدند که تمام شاخه‌های فقهی و مذهبی قابل احترام‌اند. در واقع، حدود 70 درصد معتقدند که ازدواج بین مذاهب مختلف فقهی، قابل قبول و درست است. چنین یافته‌هایی اهمیت بالایی دارند. فقط 7.5 درصد از پاسخگویان، دین را عامل اصلی بی‌ثباتی در کشور می‌دانند، در حالی که 57.9 درصد، دخالت کشورهای خارجی و 23.4 درصد اختلافات قومی را عامل اصلی بی‌ثباتی می‌دانند.

در واقع، یکی از مقامات بلندپایهٔ نظامی در مصاحبه‌ای که با او در مراحل اولیهٔ این تحقیق انجام شده بود، مدعی شد که مدارای دینی و مذهبی در بین افغان‌ها بیشتر شده است به‌ویژه در میان مذاهب شیعه و سنی.[14] در حقیقت به هیچ فردی به دلیل ترک مذهب به عنوان کافر حمله نمی‌شود، در صورتی که معتقد و پایبند به اصول دینی خویش باشد.

گراف 4: دلیل تضاد و کشمکش در افغانستان



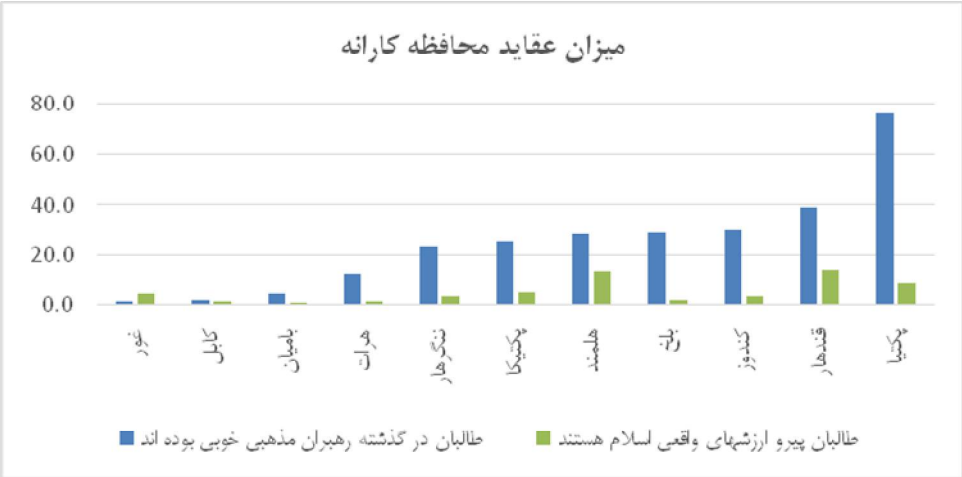
طبق یافته‌های این تحقیق، نگرانی‌ها در مورد مسألهٔ قوم‌گرایی عامل مهم‌تری نسبت به عامل مذهبی برای دامن‌زدن به اختلافات است؛ اما این نتیجه‌گیری در هلمند معکوس بوده است و دین عاملی مهم‌تر از قوم‌گرایی پنداشته می‌شود.

در حقیقت با توجه با افزایش سابقهٔ خدمت، افراد مورد مطالعه بیشتر بر این عقیده‌اند که تبعیض قومی در میان مقامات امنیتی وجود دارد. این ادعا در ولایات هرات، کندوز، بامیان و پکتیکا قوی‌تر است. نگرانی عمده، محدودیت‌هایی است که نسبت به اختلافات قومی در هنگام اجرای وظیفه به وجود می‌آید، در حالی که حساسیت‌های قومی وجود دارد. در واقع استخدام و تبدیلی نیروهای امنیتی، به‌ویژه تبدیلی از مناطق شمالی و غربی به جنوبی و شرقی می‌تواند باعث تحریک و افزایش حساسیت‌های قومی شده و مستلزم مدیریت و شناخت درست است.

دیدگاه‌ها دربارهٔ سازگاری اسلام و دموکراسی

بیشتر از 96 درصد پاسخگویان معتقدند که دولت افغانستان رژیم مشروع اسلامی است، در حالی که بیشتر از 76.6 درصد آنها از رهبری طالبان ناراضی بوده‌اند. و 94.7 درصد از پاسخگویان، اصول آنها را منبطق با ارزش‌های اسلامی نمی‌دانستند. این در حالی است که بیشتر از 76 درصد پاسخگویان ولایت پکتیا معتقدند که طالبان زمانی رهبران دینی خوبی بودند، در حالی که پاسخگویان ولایت قندهار و هلمند نسبت به رهبری طالبان و پیروی آنها از اصول واقعی اسلام خوشبینانه‌تر نگاه می‌کنند که بیشتر از حد وسط (13 درصد) هر ولایت است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که پاسخگویان ولایات پکتیا، قندهار و هلمند دیدگاهی محافظه‌کارانه دارند. پاسخگویان ولایات کندوز، بلخ و پکتیکا نیز افکاری مشابه داشته‌اند. به طور متوسط، 25 درصد از پاسخگویان این ولایات به رهبری طالبان اعتماد دارند. کمتر از 12 درصد از نیروهای امنیتی با هدف مبارزه با طالبان به نیروهای امنیتی پیوسته‌اند که به نحوی می‌توان استدلال کرد این امر نشان‌دهندهٔ حس دل‌سوزی و هم‌سویی نیروهای امنیتی با طالبان است. بیش از 79 درصد پاسخگویان معتقدند احیای نظام اسلامی رسالت همهٔ مسلمین است. این دیدگاه نسبت به برپایی نظام اسلامی، نشان می‌دهد که تعداد زیادی از نیروهای امنیتی، دین را راهنما و اصل حکومت‌داری می‌دانند.

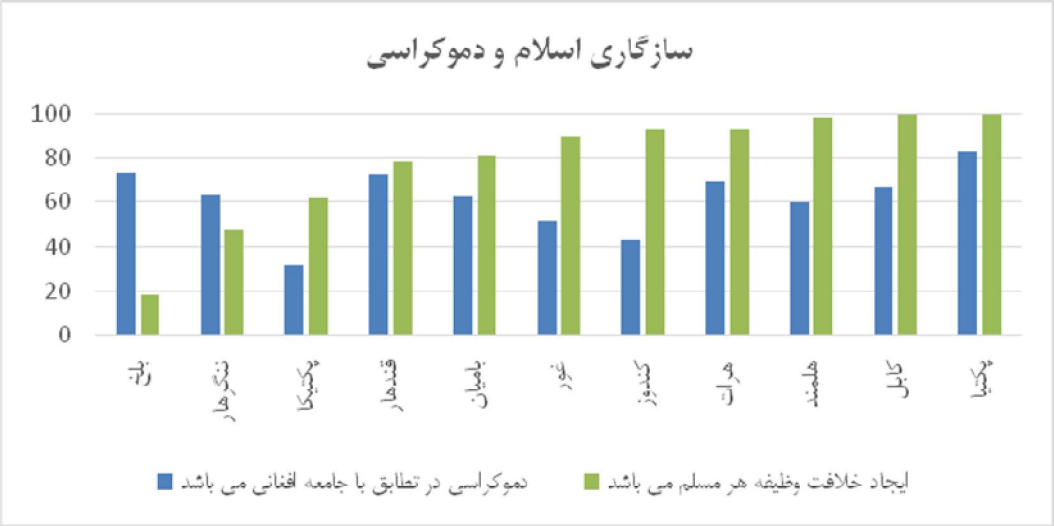
گراف 5: میزان عقاید محافظه‌کارانه



در بسیاری از تفاسیر غربی، احیای نظام اسلامی به معنای کنترل و تحت حاکمیت درآوردن مذاهب دیگر است؛ اما در واقع تشکیل نظام اسلامی به عقیدهٔ اکثر مسلمین، روندی است برای گسترش دین و توسعهٔ برادری بین مسلمانان. مشابه این افکار را می‌توان در آیین عیسی مسیح، موسی و ابراهیم نیز سراغ گرفت.[15] با این حال، دیدگاه‌ها و تمایلات به ارزش‌های اسلامی تابع سابقهٔ خدمت افراد بوده و در تمام ولایات،

نارضایتی‌ها نسبت به ایدئولوژی طالبانی در حال گسترش است. در ولایات قندهار، ننگرهار و هلمند افرادی که سابقهٔ کمتر از یک سال خدمت داشتند، بیشتر تمایل به ایدئولوژی‌های طالبانی داشتند.

گراف 6: سازگاری اسلام و دموکراسی



با بررسی دیدگاه‌ها راجع به سازگاری اسلام و دموکراسی، پاسخگویان ولایات پکتیکا و کندوز نارضایتی بیشتری نسبت به این دیدگاه داشته‌اند؛ و معتقدند که دموکراسی به صورت کل با جامعهٔ افغانستان سازگاری ندارد و احیای نظام اسلامی، رسالت همهٔ مسلمین است. در نتیجه می‌توان استنباط کرد که اعتقاد به رهبری سیاسی در کشور بدون درنظرداشت دموکراسی بارز به نظر می‌رسد. نکتهٔ قابل توجه در مورد پاسخگویان ولایت قندهار است که معتقدند دموکراسی و نظام اسلامی می‌تواند به موازات هم وجود داشته باشد.

خلاصهٔ مطالب افراط‌گرایی دینی

به طور خلاصه، یافته‌های کلیدی در مورد افراط‌گرایی دینی نشان می‌دهد که:

83 درصد پاسخگویان معتقد به حملات مسلحانه علیه منتقدان دین‌اند و 76 درصد مصاحبه‌شوندگان ولایت پکتیا بر این باورند که طالبان در گذشته، رهبران دینی خوبی بوده‌اند. هرچند این طرز دید ممکن است در حال حاضر، به شدتِ گذشته نباشد؛ اما این دیدگاه راجع به طالبان نشان می‌دهد که ممکن است این افراد در مخالفت‌های مسلحانه علیه منتقدان افکار طالبانی سهم بگیرند.

همچنین تعداد اندکی از پاسخگویان ولایت پکتیکا و پکتیا، حملات انتحاری را روشی عادلانه می‌دانند برای مخالفت با کسانی که به صورت آشکارا با اسلام مخالفت می‌کنند. بر همین اساس احتمال دارد که انتقاد از ایدئولوژی طالبانی موجب حملات انتحاری شود.

بیش از 76 درصد مصاحبه‌شوندگان قندهاری، مخالفت مسلحانه علیه کسانی که منتقد اسلام‌اند را روش مناسبی می‌دانند.

اگرچه این مطالعه نشان می‌دهد که اکثر پاسخگویان تحمل قومیتی بالایی را ابراز کرده‌اند؛ ولی در حدود 25 درصد از آنها معتقدند که تبعیضات قومی، عامل اصلی اختلافات در افغانستان است.

به نسبت ولایات دیگر، مصاحبه‌شوندگان پکتیکا و کندوز دموکراسی را با اسلام سازگار نمی‌دانند و همین افراد شدیداً احیای نظام اسلامی را مناسب دانسته؛ و معتقدند دموکراسی با جامعهٔ افغانی سازگار نیست. و در حقیقت، تنها 12 درصد از پاسخگویان به دلیل مبارزه با افراط‌گرایی به نیروهای امنیتی پیوسته‌اند.

یکی از مقامات بلندرتبهٔ امنیتی مصاحبه‌شونده مدعی است که هر اقدام مسلحانه علیه نظام در آغاز سبب جلب توجه مردم و سپس به‌کارگیری نظامی افرادی است که تصورات مخالف با ساختار حکومتی افغانستان دارند. در واقع بنا بر نظرات همین مقام، با ورود بیش از 30000 جنگجوی خارجی در سال 1980 به افغانستان برای با مقابله با شوروی، بذر افکار و ایدئولوژی‌های افراطی به‌خصوص گرایش‌های تکفیری در افغانستان برای ادارهٔ بسیاری از گروه‌های مردم گسترش پیدا کرد. بنا بر یافته‌های این بخش، برخی ولایات آمادهٔ پذیرش چنین شرایطی باقی ماندند. در حقیقت، همین مقام با قاطعیت به منزوی‌بودن نسبی افغانستان تا زمان جنگ دوم جهانی اشاره کرد؛ انزوایی که باعث شد افغان‌ها به فرهنگ افغانی خود علاقه‌مند شوند و در نهایت، پذیرای افراط‌گرایی اخوانی و کمونیستی نشوند.

ملا محمدعمر، رهبر وقت طالبان در بخشی از پیام عیدی سال 2011 خود مدعی شد که نفوذ در صفوف امنیتی و دفاعی افغانستان روشی قوی برای رسیدن به پیروزی‌های مهم خواهد بود. او در پیام سال بعدی مدعی شد که «مجاهدین توانستند زیرکانه با استفاده از برنامه‌های داده‌شده در صفوف نیروهای امنیتی نفوذ کنند.» که این امر نشان می‌دهد افزایش حملات در سال 2012، پیامد مستقیم همین برنامه‌ریزی‌ها بوده است. در واقع، از هر 45 حمله، 11 حمله یا حدوداً 25 درصد حملات سبز به آبی در سال 2012 توسط گروه‌های امنیتی و دفاعی انجام شد که نشان از برنامه‌ریزی و هماهنگی دارد. با این حال، از هر 11 حملهٔ داخلی، 4 حملهٔ آن توسط گروه‌های امنیتی و افراد دفاعی در قندهار انجام گرفت که یکی از محافظه‌کارانه‌ترین و طالب‌دوست‌ترین ولایات افغانستان است.

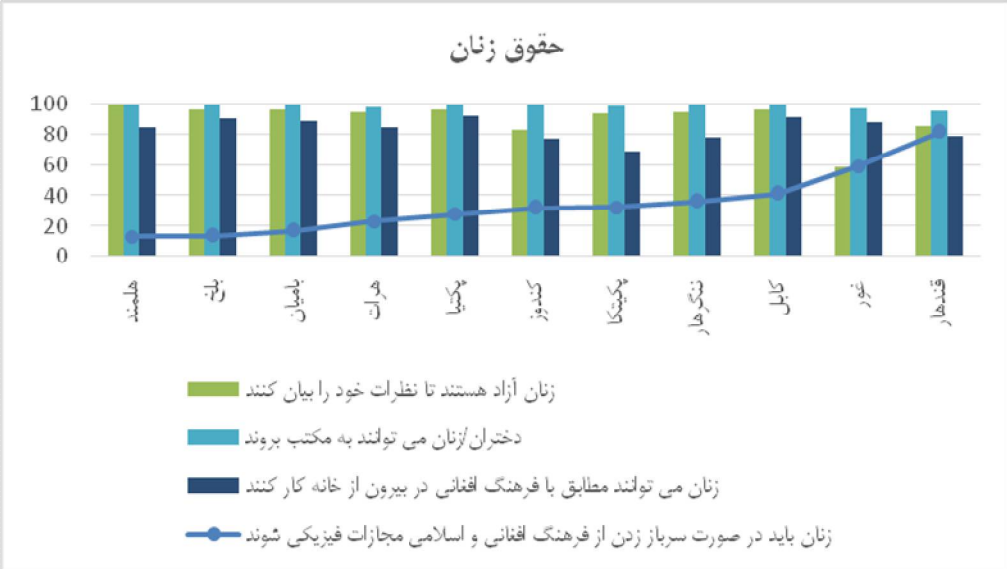
عدم تحمل اجتماعی: هنجارها و ارزش‌های بین‌المللی، زنان، حقوق بشر و جامعه افغانستان

شاخص عدم تحمل اجتماعی نشان می‌دهد که به طور کل، افراد تا چه حد آمادگی و ظرفیت پذیرش ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته‌شدهٔ بین‌المللی و ارج‌نهادن به آنها را دارند؛ و تا چه حد آنها این ارزش‌ها را سازگار با فرهنگ افغانستانی می‌دانند. به طور خاص، ما دیدگاه‌های مردم دربارهٔ کنوانسیون‌های بین‌المللی زنان، حقوق بشر و حق مداخله دربارهٔ نقض حقوق بشر، رابطهٔ این کنوانسیون‌ها با ارزش‌های اسلامی، میزان مشروعیت قوانین بین‌المللی بر سایر سازه‌های حقوقی افغانستان و تحمل مذهبی و قومی را مطالعه می‌کنیم.

دیدگاه‌ها دربارهٔ زنان و حقوق بشر

یافته‌های این تحقیق دربارهٔ موضوع زنان و حقوق بشر نشان می‌دهد که 95 درصد از پاسخگویان معتقد بودند که زنان باید اجازه داشته باشند به عنوان وزیر ایفای وظیفه کنند؛ در حالی که 92 درصد معتقدند فرهنگ افغانستانی موافق با عضویت زنان در فعالیت‌های سیاسی است. در واقع، 89 درصد ادعا کردند که آنها حاضرند تحت فرماندهی یک زن ایفای وظیفه کنند.

گراف 7: حقوق زنان



علاوه بر این، تعداد مشابهی (85 درصد) ادعا کردند که ازدواج با کارمندان دولت یا کارمندان مؤسسه‌های جامعه مدنی هیچ مشکلی ندارد. در حالی که 91 درصد هم معتقد بودند که هم مردان و هم زنان حق آزادی بیان دارند. همچنین 84 درصد معتقد بودند که اسلام به زنان اجازه می‌دهد در خارج از خانه کار کنند. اگرچه اکثریت پاسخگویان (98.9 درصد) بر این بودند که دختران باید شامل مکاتب شوند،

90 درصد معتقد بودند، خشونت علیه زنان قابل قبول نیست؛ و 78.9 درصد معتقد بودند که زنان باید حقوق مساوی با مردان باشند.

برعکس در ولایت قندهار نظرات منفی نسبت به زنان برجسته به نظر می‌رسد، چنانکه 80 درصد پاسخگویان ولایت قندهار معتقدند که اگر زنان از قوانین اسلامی و فرهنگ افغانی پیروی نکنند، شایستهٔ مجازات هستند. بررسی دیدگاه‌های پاسخگویان دربارهٔ کنوانسیون‌های بین‌المللی دربارهٔ زنان و حقوق بشر نشان می‌دهد که قندهار نسبت به سایر ولایات، سطح نسبتاً بالاتری از ناشکیبایی اجتماعی را دارد که در آن، 60 درصد از پاسخگویان معتقد بودند که افغان‌ها هیچ تعهدی برای پذیرش کنوانسیون‌های بین‌المللی زنان و حقوق بشر ندارند. ولایت کندوز نیز با میزان نزدیک به 40 درصد در سطح بالایی قرار دارد که باورهای مشابهی تا سال هفتم خدمت وجود دارد و پس از آن، میزان پذیرش و شکیبایی نسبت به پذیرش کنوانسیون‌های بین‌المللی بیشتر می‌شود.

پاسخگویان ولایت قندهار به طور مشابهی دربارهٔ اجازه زنان برای خدمت به عنوان وزیر احساس مثبتی دارند. اما هنگامی که دیدگاه پاسخگویان دربارهٔ سهم زنان در فعالیت‌های سیاسی را جویا شدیم، آنها حساسیت بیشتری نشان دادند که با افزایش سالهای خدمت، افزایش تدریجی پذیرش را در پی داشت.

در عین حال، وقتی از آنها دربارهٔ پذیرش ایفای وظیفه تحت فرماندهی یک زن پرسیده شد، در بیشتر ولایات میزان پذیرش این موضوع با بالارفتن مدت زمان خدمت افزایش یافت. با این حال، دو ولایت قندهار و ننگرهار در این مورد نسبتاً مخالفت بیشتری نشان دادند.

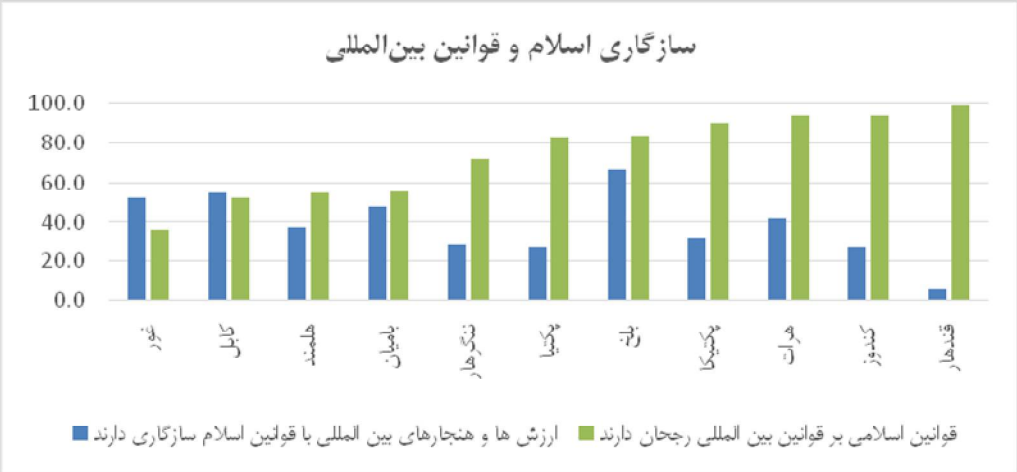
در پاسخ به سؤال دیگری که آیا زنان اجازهٔ کار در خارج از منزل را دارند؟ اکثر ولایات در همهٔ دوره‌های زمانی خدمت، با این امر نسبتاً موافق بودند. پاسخگویان غور و قندهار میزان نسبتاً بالاتری از عدم پذیرش را نشان دادند که با افزایش مدت زمان خدمت، میزان پذیرش به صورت تدریجی بعد از سال هفتم خدمت افزایش یافت.

در یک سؤال مشخص‌تر از پاسخ‌گویان پرسیده شد که آیا می‌توان زنان را به دلیل تمرد از سنت‌های افغانی و اسلامی لت‌وکوب نمود؟ پاسخگویان قندهار و غور سطح بالاتری از موافقت را در تمام سطوح مدت زمان خدمت نشان دادند؛ در صورتی که پاسخگویان ننگرهار و پکتیکا سطح موافقت کمتری را تا سال چهارم خدمت نشان دادند و پس از آن میزان موافقت ثابت است. در صورتی که پاسخگویان ولایات دیگر، مخالفت خویش نسبت به تنبیه جسمی زنان به دلیل تمرد از سنت‌های افغانی و اسلامی را نشان دادند.

دیدگاه‌ها دربارۀ ارزش‌های پذیرفته‌شدۀ بین‌المللی و سازگاری آنها با اسلام

وقتی پرسیده شد که آیا افغان‌ها مؤظف‌اند از کنوانسیون‌های بین‌المللی زنان و حقوق بشر پیروی کنند؟ بیشتر از 80 درصد آنها موافق این امر بودند؛ که این میزان با افزایش مدت خدمت، بالاتر رفته است. در واقع بیش از 70 درصد پاسخگویان موافق بودند که جامعۀ بین‌المللی حق مداخله و تنبیه متخلفان از کنوانسیون‌های بین‌المللی زنان و حقوق بشر را دارد. با این حال، وقتی دربارۀ هم‌سویی هنجارها و ارزش‌های بین‌المللی با ارزش‌های اسلامی سؤال شد، نزدیک به نیمی (48 درصد) مخالف این امر بودند؛ و این میزان نشان می‌دهد که کنوانسیون‌های بین‌المللی زنان و حقوق بشر لزوماً هم‌سو با ارزش‌های اسلامی نیستند و به هر حال مورد حمایت قرار می‌گیرند.

گراف 8: سازگاری اسلام و دموکراسی



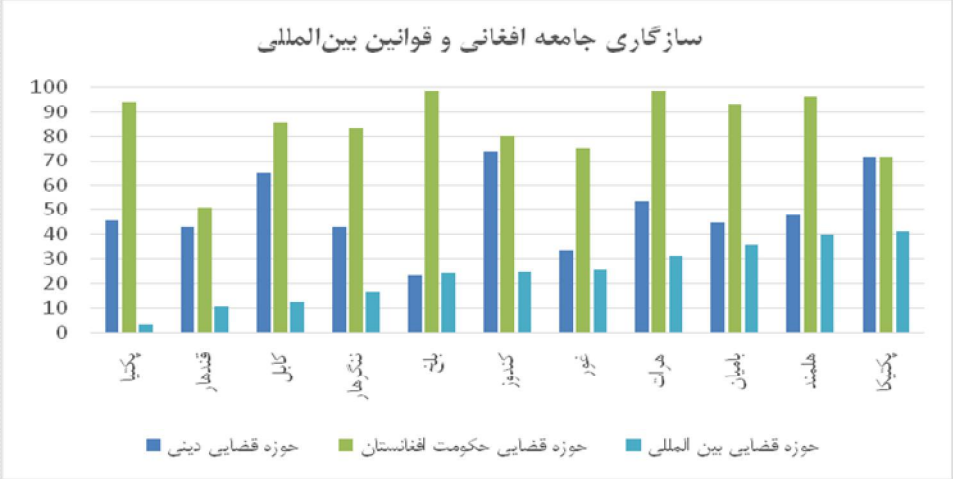
20 درصد از کسانی که مخالف کنوانسیون‌ها بودند و 30 درصد از کسانی که مخالف مداخلۀ جامعۀ بین‌المللی در مورد نقض این کنوانسیون‌ها بودند، نزدیک به 60 درصد از آنها داری تحصیلات دینی بوده‌اند. در واقع، افزایش سطح تحصیلات رابطۀ مستقیمی با افزایش میزان موافقت با تعهد به هنجارها و ارزش‌های پذیرفته‌شدۀ بین‌المللی و محفوظ‌بودن حق جامعۀ جهانی برای مداخله و تنبیه متخلفان این کنوانسیون‌ها دارد. هیچ روند قابل مشاهده‌ای در میان گروه‌های سِنی دیده نشده به‌جز میزان نسبتاً بالایی (42 درصد) که هم‌سویی هنجارها و ارزش‌های بین‌المللی با ارزش‌های اسلامی را تأیید کرده‌اند.

دیدگاه‌ها دربارۀ سازگاری ارزش‌های پذیرفته‌شدۀ بین‌المللی با جامعۀ افغانستان

با توجه به ارزش‌های اسلامی و سازگاری آن با ارزش‌های پذیرفته‌شدۀ بین‌المللی، ولایت ننگرهار شاهد افزایش پذیرش هنجارها و ارزش‌های بین‌المللی تا سقف سابقۀ هفت سال خدمت است. این در حالی است

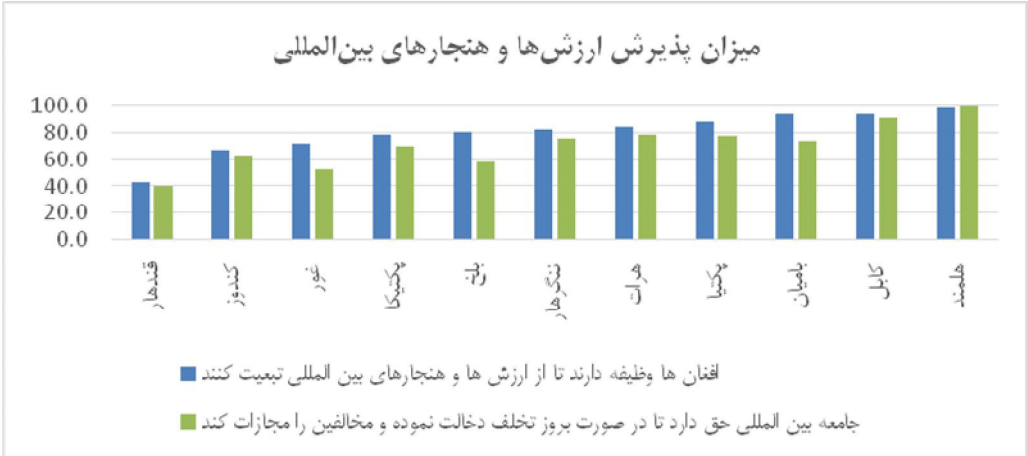
که ولایت قندهار عکس این روند را نشان می‌دهد و 14 درصد استدلال می‌کنند که هنجارها و ارزش‌های بین‌المللی با ارزش‌های اسلامی هم‌سو نیستند. وقتی از پاسخگویان دربارهٔ امضای معاهدهٔ صلح بین مسلمانان و غیرمسلمانان پرسیده شد، پاسخگویان دو ولایت غور و قندهار مخالف این امر در بیشتر سطوح سابقهٔ خدمت بودند؛ و فقط کاهش تدریجی نامحسوسی در این میزان در بین اشخاص بالای 10 سال خدمت مشاهده شد. این در حالی است که در ولایات ننگرهار و بلخ، شاهد مخالفت روبه‌افزایش با این امر بودیم.

گراف 9: سازگاری جامعه افغانی و قوانین بین‌المللی



دربارهٔ مشروعیت حاکمیت، نزدیک به 73 درصد موافق بودند که بهتر است قانون شریعت جایگزین هنجارها و ارزش‌های پذیرفته‌شدهٔ بین‌المللی شود؛ ولایات کندوز با 89.9 درصد و قندهار با 99.3 درصد نظر مثبت، در رتبه‌های بالاتر این درجه‌بندی قرار دارند. از سوی دیگر، بیش از نیمی از پاسخگویان این تحقیق، مخالف جایگزین‌شدن قوانین سنتی و جرگه‌ها با هنجارها و ارزش‌های بین‌المللی‌اند. با این حال، پاسخگویان ولایت قندهار با میزان بالایی (42 درصد)، با جایگزین‌شدن قوانین سنتی افغانستان با قوانین بین‌المللی موافق بودند.

گراف 10: میزان پذیرش ارزش‌ها و هنجارهای بین‌المللی



با درنظرداشت 60 درصد مخالفت، تنها 25 درصد از کل پاسخگویان معتقد بودند که قوانین بین‌المللی می‌تواند جایگزین قوانین ملی داخلی شود. با توجه به صلاحیت‌های داخلی بر امور زنان و حقوق بشر، بیش از 60 درصد معتقدند که قوانین شریعت نهایی‌ترین منبع در این زمینه‌هاست؛ در حالی که دولت مرکزی و دفتر رئیس‌جمهور و قوۀ مقننه به اعتقاد 19 درصد، در ردۀ دوم صلاحیت و قدرت قرار دارد.

خلاصۀ مطالب عدم تحمل اجتماعی

فشردۀ یافته‌های کلیدی عدم تحمل اجتماعی شامل موارد زیر است:

اگرچه نزدیک به 95 درصد معتقدند که زنان اجازۀ کار در خارج از خانه را دارند، تعداد کمتری (84 درصد) معتقدند که اسلام اجازه چنین حقوقی را به زنان داده است.

در حالی که بیش از 90 درصد کل پاسخگویان معتقدند که خشونت علیه زنان قابل قبول نیست، اما بیش از80 درصد پاسخگویان ولایت قندهار، با تنبیه فیزیکی زنان در مواقع تمرد از قوانین اسلامی و سنت‌های افغانی موافق‌اند.

تقریباً 60 درصد از پاسخگویان ولایت قندهار و 40 درصد از پاسخگویان ولایت کندوز، معتقدند که افغان‌ها هیچ تعهدی نسبت به پذیرش‌کنوانسیون‌های بین‌المللی زنان و حقوق بشر ندارند.

تقریباً نیمی از پاسخگویان (48 درصد) معتقدند که ممکن است کنوانسیون‌های بین‌المللی زنان و حقوق بشر با ارزش‌های اسلامی هم‌سو باشد. 60 درصد از این پاسخگویان تنها آموزش‌های دینی دیده‌اند. در واقع، به طور فزاینده‌ای سطح آموزش با میزان پذیرش سازگاری ارزش‌های اسلامی با کنوانسیون‌های بین‌المللی رابطۀ مستقیم دارد.

نزدیک به 73 درصد از پاسخگویان موافق‌اند که قوانین شریعت جایگزین کنوانسیون‌های بین‌المللی شود و 60 درصد معتقدند که قوانین شرعی دربارۀ امور زنان و حقوق بشر، صلاحیت نهایی را دارد.

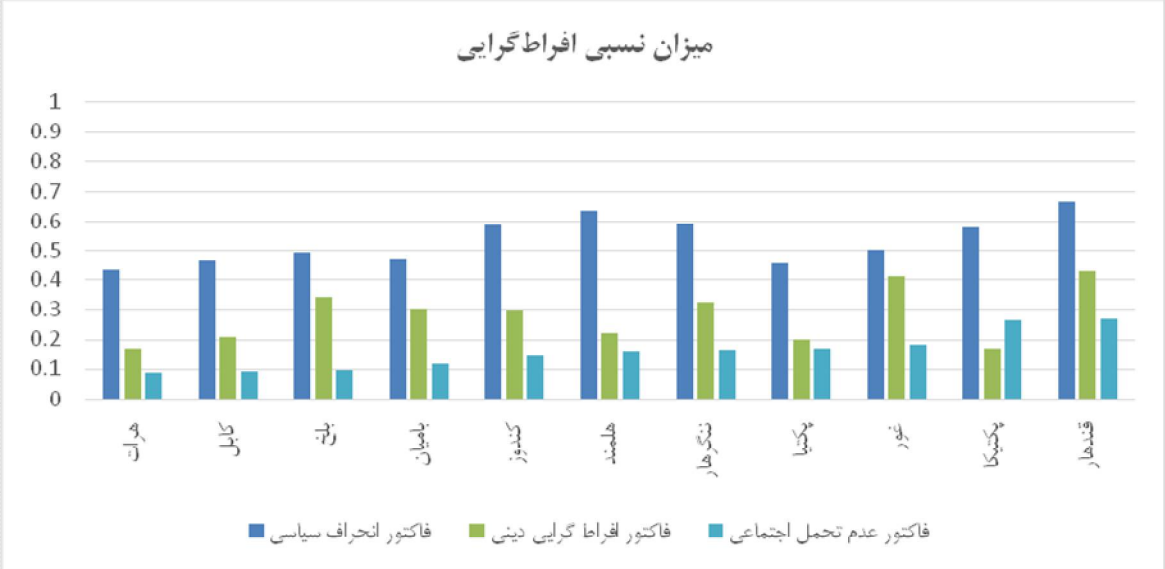
بسیاری از چالش‌ها با توجه به اختلاف بین ارزش‌ها و هنجارها در سراسر افغانستان، همچنین بین افغانستان و جامعۀ جهانی باقی می‌ماند. مداخله‌های بین‌المللی همراه با ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های غربی بوده که در سطوح مختلفِ پذیرش و رویارویی با باورهای کهن و سنتی افغانستان قرار گرفته است. مصالحه، امری لازم برای رسیدن به صلح و ثبات است و دسترسی به این آرمان، تلاشی بلندپروازانه می‌خواهد. وقتی که هنجارها و ارزش‌های فردی اولویت و نقش حیاتی در رویکردهای فرد داشته باشد، متأسفانه روش‌های

بازیگران بین‌المللی از خارج طراحی و ابداع شده و با واقعیت‌های جامعهٔ افغانی فاصله دارد و به زور در قالب برنامه‌ای از پیش ساخته‌شده بر جامعهٔ افغانستان تحمیل شده است.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی و مقایسهٔ روند افراط‌گرایی در صفوف نیروهای امنیتی افغان در یازده ولایت افغانستان با انگیزهٔ درک درست ظرفیت‌ها و ماهیت روندهای افراط‌گرایانه متکی بر باورها، به شمول حملات خودی، قصور در وظیفه و ترک خدمت راه‌اندازی شده است.

گراف 11: میزان نسبی افراط‌گرایی



این پژوهش نشان می‌دهد که بررسی سطوح نسبی افراط‌گرایی در سراسر ولایات چنین بوده است. قندهار در بین یازده ولایت، محافظه‌کارترین بوده و در آن عقاید و نظرات پاسخگویان نسبتاً سطح قوی‌تری از عدم تحمل اجتماعی را به نمایش می‌گذارد که خود بیانگر افراط‌گرایی مذهبی و انحراف سیاسی است. پکتیکا بعد از قندهار از نقطه‌نظر عدم تحمل اجتماعی در رتبهٔ دوم این درجه‌بندی قرار دارد؛ در حالی که از دیدگاه افراط‌گرایی مذهبی بعد از قندهار، غور در درجهٔ دوم قرار دارد. در قسمت اندازه‌گیری میزان انحراف سیاسی، هلمند بعد از قندهار و کندوز، در رتبهٔ دوم قرار دارد. پکتیکا و ننگرهار به ترتیب و نزدیک به هم در رده‌های بعدی جای گرفته‌اند. به صورت خاص، در حالی که دیدگاه‌ها نسبت به پذیرش هنجارها و ارزش‌های بین‌المللی در سراسر افغانستان متفاوت است، بیش از 80 درصد از پاسخگویان ولایت قندهار معتقد به سرزنش و تنبیه فیزیکی زنان هنگام تمرد از قوانین اسلامی یا بی‌احترامی به ارزش‌های فرهنگی افغانستان هستند. بیش از نیمی از پاسخگویان قندهار و بیش از 30 درصد پاسخگویان کندوز معتقدند که

کنوانسیون‌های بین‌المللی زنان و حقوق بشر با ارزش‌های اسلامی سازگار نیست.

بررسی توزیع جغرافیایی حوادث سبز بر آبی رابطهٔ نزدیکی با یافته‌های این پژوهش دارد. تعداد زیادی از حوادث (43 درصد) در مقایسه با دیگر نقاط، در ولایات هلمند و قندهار اتفاق افتاده است. برخی‌ها استدلال می‌کنند که هماهنگی و برنامه‌ریزی این نوع حملات بیشتر در ولایت هلمند مشهود است که بیانگر ظرفیت‌های بزرگ حمایتی و هدایت‌های خارجی برای افراد بومی و نیروهای شورشی است.

رقابت‌های ایدئولوژیک در ناکامی مجزاکردن روابط نیروهای امنیتی با جوامع بومی‌شان، تشویق تنش‌ها و رقابت‌ها بین ایدئولوژی‌های بومی به شمول طالبان و عوامل تأثیرگذار دیگر و حکومت دموکرات مرکزی، نقش اساسی دارد. وابستگی به رهبران محلی برای تأیید و توصیه برای استخدام نیروهای امنیتی و دفاعی، فرایندی استوار بر رابطه‌سالاری و قوم‌پرستی است که ذاتاً چالشی دیرینه برای وفاداری نیروهای جذب‌شده است. در اواخر سال 2002 پس از روند بررسی اولیهٔ سوابق تعدادی از افراد، توصیه‌های رهبران محلی شروع شد. با این حال، حتی چنین تلاش‌های ناچیزی در غربال‌گری نیروهای جذب‌شده به عنوان اهداف و اولویت‌ها در نظر گرفته شد. بررسی معنادار اسناد و مدارک رسمی هویت، بازرسی سوابق جنایی و تروریستی و تصدیق فردی توسط منابع، در دستور کار قرار گرفت و اعتماد کلی به توصیه‌های رهبران بومی واگذار شد. از آنجایی که استخدام نیروها از بین جمعیت بزرگی از افغانستان، همچنین از میان نیروهای شورشی و اعضای اسبق طالبان صورت می‌گیرد، استخدام شتاب‌زده باعث ایجاد مشکلاتی فراوان می‌شود. با خروج نیروهای بین‌المللی و ازدست‌دادن ظرفیت‌های فراخوانده‌شده، ممکن است نیروهای امنیتی در سطح ولایات، قریه‌جات و حتی روستاها به عنوان خط اول جنگ در حمایت از روابط بومی و وابستگان محلی صف بکشند. مهم‌ترین نگرانی دربارهٔ ولایات و ولسوالی‌های محافظه‌کار است که ایدئولوژی افراط‌گرایانه در بین نیروهای امنیتی در آنها محفوظ می‌ماند؛ و این نیروها برای بازگشت به جوامع و رهبران محلی خود تمایل دارند. در واقع، همین روابط و تمایلات باعث ترویج دشمنی در صفوف نیروهای امنیتی به‌گونه‌ای می‌شود که قوم‌پرستی و رابطه‌سالاری برای تعدادی فرصت‌های زیادی ایجاد کرده اما دیگران را در انزوا قرار می‌دهد. همین موضوع باعث به‌وجودآمدن تنش‌ها به شمول حمله بر نیروهای خارجی، فرار و ترک وظیفه شد. بررسی‌ها نشانگر این است که انگیزهٔ اصلی این حملات، انگیزه‌ها و اقدامات جمعی نبوده است، بلکه دلایل شخصی از جمله دشمنی‌های فردی و باورهای ایدئولوژیک در این مورد، شاخص‌های اصلی‌اند. با اینکه نفوذ و اجبار طالبان ممکن است در برخی از این حمله‌ها، مخصوصاً در ولایاتی که در آن نمایندگان طالبان محلی با خانواده‌های اعضای نیروهای امنیتی آشنایند و از این فرصت سوءاستفاده می‌کنند، الهام‌بخش

باشد؛ شواهد بیانگر این است که مهاجمان از روی خشم، نارضایتی، دشمنی‌های شخصی و دلایل روانی دست به انجام این نوع حملات زده‌اند. در واقع، بررسی‌ها نشان می‌دهد که افرادی با سطح تحصیلات کمتر، تمایل قوی‌تری به ایدئولوژی‌های تندروانه‌ای مانند عدم تحمل اجتماعی در برابر سایر ادیان و مذاهب یا اعتقاد به واکنش‌های خشونت‌آمیز در مقابل غیرمسلمان‌ها دارند.

بیش از 90 درصد از سربازان جذب‌شده بی‌سوادند که این امر نمایانگر رابطه‌ای بین سطح تحصیلات و گرایش به ایدئولوژی‌های تندروانه، و بیانگر آسیب‌پذیری و نفوذپذیری این نیروهاست. اگرچه همهٔ افراد جذب‌شده به این نیروها باید 65 ساعت برنامه‌های سوادآموزی را بگذرانند، اما ادامهٔ آموزش و فراگیری تحصیلات بیشتر، برای ایشان محدود است. با وجود قوم‌گرایی احتمال سوءمدیریت در توزیع فرصت‌ها بارز است. از آن بدتر، آموزگارانی که برای آموزش و بالابردن ظرفیت‌های نیروهای افغان ایفای وظیفه می‌کنند، خود را مکلف و مجبور به آموزش نیروهای بی‌سواد و بی‌تجربه می‌بینند که این امر ممکن است خود خطر واکنش‌های خشونت‌آمیز را در پی داشته باشد.

روابط بردبارانهٔ بین قومی گامی ضروری برای تحقق یک افغانستان متحد است که حکومت مرکزی در آن مشروعیت داشته باشد. با این حال، بیش از یک‌چهارم پاسخگویان معتقدند که تبعیض قومی علت اولیه و دلیلی برای جنگ‌های جاری افغانستان است؛ در حالی که تعداد زیادی هم بر این باورند که مقاومت‌های مسلحانهٔ مردمی علیه رهبری سیاسی و نظامی فاسد و منتقد اصول اسلامی قابل توجیه است. افغانستان در حفظ مشروعیت حکومت مرکزی در طول تاریخ، با چالش‌های فراوانی روبه‌رو بوده است که دلیل آن پراکندگی بیش از حد جوامع افغانی از یکدیگر و حکومت‌های خودمختاری است که برای مردم قابل پذیرش است. مفهوم مدرن دولت ـ ملت این است که قدرت مرکزی نهادینه شده و حق استفادهٔ مشروع قدرت در یک سرزمین معین و حقوق افراد برای استفاده از قدرت در انحصار دولت باشد. انحصار استفادهٔ مشروع قدرت شامل اهداف امنیتی و دفاعی، به عنوان وسیله‌ای برای اجرای قوانین صادرشده توسط حکومت مرکزی، با هدف حفظ حاکمیت ملی و دفع تهدیدهاست. برعکس، اگرچه دولت برخوردار از حق انحصاری استفاده از قدرت مشروع است، اما ظرفیت‌های خودمختار در مناطق حاشیه‌ای افغانستان، استفاده از قدرت را شخصی کرده که باعث مداخلات بین‌المللی شده است؛ که در نهایت حق منحصربودن استفاده از قدرت مشروع توسط دولت را محدود کرده است. از طرفی دیگر، مؤسسات بین‌المللی مانند سازمان ائتلاف آتلانتیک شمالی (ناتو) و سازمان ملل، اداره و در بعضی از موارد دولت را در استفادهٔ قدرت مشروع با محدودیت روبه‌رو کرده‌اند. در سطوح دیگر، عناصر غیردولتی نیز با تشکیل نیروهای نظامی مستقل با

ایدئولوژی‌های خود، حق دولت برای استفادهٔ مشروع از قدرت را به چالش کشیده‌اند. نیروهای امنیتی و دفاعی بدون شک اجزای لازم برای اجرای قانون و نگهدارندهٔ انحصار استفادهٔ مشروع از قدرت، به‌رسمیت‌شناختن حاکمیت دولت و توسعهٔ آگاهی ملی می‌باشند. روند دولت‌سازی به‌ویژه در شرایط پس از جنگ، متقاضی توسعهٔ قدرت ارتش و پولیس، همچنین وفاداری به آرمان‌ها و فرمان‌های دولت مرکزی است. با این حال، شواهد تاریخی افغانستان نشانگر این است که نائل‌شدن به این آرمان‌ها، ملال‌برانگیز است. وفاداری‌های شکننده و متکی بر روابط قبیله‌ای، تعصبات مذهبی و اتحادهای اقتصادی اغلب جایگزین وفاداری به حکومت مرکزی بوده‌اند. این سکتگی‌ها و شکست‌ها در اقتدار و حاکمیت ملی باعث ایجاد چالش‌های سیاسی، مذهبی و ایدئولوژی‌های اجتماعی می‌شوند. علاوه بر این، ایالات متحدهٔ امریکا بیش از 65 میلیارد دالر را با هدف آموزش نیروهای نظامی و امنیتی افغانستان هزینه کرده است که اعضای پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در اجلاس 2012 شیکاگو به ادامهٔ این کمک‌ها تا سال 2024 متعهد شده‌اند. تا این تاریخ، انتظار می‌رود افغانستان بتواند مسئولیت مالی این نیروها را متقبل شود. اعضای این پیمان همچنین دربارهٔ کاهش این نیروها از 328805 نفر به 228500 نفر که به طور تخمینی هزینه‌ها را تا سقف 4.1 میلیارد دالر در سال می‌رساند، بحث کردند. تصمیم کاهش این نیروها مشروط به نیازهای امنیتی و اختیارات جمعی حکومت افغانستان و جامعهٔ جهانی خواهد بود. این گزارش نشان می‌دهد که مؤثریت حمایت‌های مالی محدود بوده و در برخی موارد، این حمایت‌ها مشوق تمایلات نیروهای افغان برای پذیرش ایدئولوژی‌های افراطی شده است؛ مانند توانمندسازی مالی کسانی که مخالف با ایدئولوژی و باورهای حکومت مرکزی‌اند. با درنظرداشت رقابت‌های ایدئولوژیک، ایجاد شکیبایی درون‌قومی و فرقه‌ای، پذیرش هنجارها و ارزش‌های بین‌المللی و بالابردن مشروعیت حکومت مرکزی از جمله عناصر حیاتی برای توسعهٔ مؤثر حمایت‌های فعلی و آینده خواهد بود.

منابع و مآخذ:

1. Bill Roggio, "Taliban Claim Insider Attack at Kabul Airport That Killed 3 Us Contractors," (Washington: The Long War Journal, 2015)
2. Associated Press, "Us Soldier Shot Dead in Afghanistan 'Insider Attack'," The Guardian 2015.
3. Bill Roggio, "4 Isaf Soldiers Killed in Suicide, Green-on-Blue Attacks," (Washington: The Long War Journal, 2014).
4. North Atlantic Treaty Organization, "Afghan National Security Forces (Ansf)," in Media Backgrounder (Brussels: North Atlantic Treaty Organization, 2013)
5. (SIGAR), "Quarterly Report to the United States Congress," 100.
6. Edward Sagarin and Robert J. Kelly, "Political Deviance and the Assumption of Responsibility," Deviant Behavior 7, no. 3 (1986): 218.
7. Dating back to the caliphate of Uthman, takfirwas employed by the Kharijites as a means for circumventing established political order in response to perceived alleged unjust policies, nepotism, and greed among the leadership of the time. Irshaad Hussain, "The Hermeneutics of Takfir," (Islam from Inside, 2002)
8. Matthew Rosenberg, "Drug Use, Poor Discipline Afflict Afghanistan's Army," Wall Street Journal, July 28, 2010 2010.
9. Bill Roggio, "Afghan Policewoman Kills Us Military Adviser inside Interior Ministry," Long War Journal (2012)
10. Antonio Giustozzi and Peter Quentin, "The Afghan National Army: Sustainability Challenges Beyond Financial Aspects," (Kabul, Afghanistan: Afghanistan Research and Evaluation Unit, 2014)
11. UNAMA, "Annual Report on Protection of Civilians in Armed Conflict, 2009," (Kabul: United Nations Assistance Mission in Afghanistan, 2009)
12. Scott Gates and Kaushik Roy, War and State-Building in Afghanistan : Historical and Modern Perspectives, Bloomsbury Studies in Military History, text.
13. Thomas Ruttig, "Afghanistan between Democratization and Civil War: Post-2014 Scenarios," in Afghanistan, Pakistan and Strategic Change: Adjusting Western Regional Policy, ed. Joachim Krause and Charles King Mallory IV (New York: Routledge, 2014)
14. The high ranking military official claimed that Sunni-Hanafi imam, Abo Hanifah and Shia-Jafari imam Jafar-e-Saddiq both decreed that praying toward Mecca is demonstration enough that one is not an apostate or kafir.
15. The Holy Quran, 42:13.

ضمایم

ضمیمهٔ 1: آمارهای امنیت ملی و نیروهای دفاعی افغانستان

این ضمیمه، زمینهٔ ارزیابی کلی جمعیتی و توزیع شرکت‌کنندگان و بررسی گسترده‌تر آمار و آرایش نیروهای امنیت ملی و دفاعی افغانستان را فراهم می‌کند. بررسی‌های آماری از نمونه‌های جمعیتی، ظرفیت‌های لازم برای آگاهی از ترکیب مجموعی نیروهای پولیس ملی را برای پیاده‌سازی راهبردهای هدف‌مند به وجود می‌آورد.

نزدیک به سه‌چهارم (68.1 درصد) از این نیروها بین سه تا چهار سال سابقهٔ خدمت در پولیس ملی افغانستان دارند که اکثر این افراد (67.6 درصد) بین سنین 21 و 30 سال قرار دارند؛ و از نظر تقسیم‌بندی قومی: 40 درصد پشتون، 25.8 درصد تاجیک و 20.9 درصد هزاره‌اند. گروه‌های دیگر قومی مانند ازبک‌ها با 3.3 درصد در رده‌های دیگر قرار دارند. 78 درصد از پاسخگویان اهل سنت بوده، در حالی که اهل تشیع میزان کمتری از یک‌چهارم (21.7 درصد) را در این تحقیق تشکیل می‌دهند. بیش از 70 درصد متأهل و 3 درصد از پاسخگویان زن بوده‌اند. تنها 2 پاسخگو از طریق برنامهٔ ادغام مجدد جذب پولیس ملی افغانستان شده بودند. بیش از نیمی از پاسخ‌دهندگان (54.9 درصد) حداقل یک بار با نیروهای شورشی مبارزه و مقابله کرده‌اند.

کمی بیشتر از یک‌چهارم (26.7 درصد) افرادی که در این تحقیق شرکت کرده‌اند، بی‌سوادند؛ که ولایت هلمند با 63 درصد در مقام اول، ولایت پکتیکا با 43.9 درصد و قندهار با 39.3 درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند. یک‌سوم از پاسخگویان (33 درصد) دورهٔ ابتدایی آموزشی را فراگرفته‌اند؛ در حالی که نزدیک به یک‌سوم (30.5 درصد) دورهٔ لیسه را به پایان رسانده‌اند. تنها 6.8 درصد از پاسخگویان دورهٔ لیسانس را به پایان رسانده‌اند؛ در حالی که تنها 49 پاسخگو آموزش‌های دینی را کامل کرده‌اند. کمتر از یک‌دهم درصد (0.1 درصد) دورهٔ فوق‌لیسانس (ماستری) را سپری کرده‌اند. در یک مقایسهٔ ولایتی، ننگرهار باسوادترین بوده و پاسخ‌دهندگان این ولایت 25.4 درصد دورهٔ لیسانس را سپری کرده‌اند؛ و ولایات کندوز با 13 درصد و کابل با 12.3 درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند. نزدیک به نیمی از پاسخگویان این تحقیق، مقطع آموزشی لیسه را کامل کرده‌اند: کندوز 44.2 درصد، کابل 44.9 درصد و بامیان 44.6 درصد. این در حالی است که در پکتیا، 56.6 درصد دورهٔ مکتب ابتدایی را به پایان رسانده‌اند.

مؤلفه‌ها	ارقام
نیروهای امنیتی افغانستان	328805
مرد	326805
زن	2000
ارتش ملی افغانستان در کل	176762
واحدهای عادی ارتش ملی افغانستان	141928
یگان‌های ویژۀ ارتش ملی افغانستان	11000
نیروهای هوایی ارتش ملی افغانستان	7000
نیروهای ملکی ارتش ملی افغانستان	7096
پولیس ملی افغانستان در کل	155182
نیروهای نظامی پولیس افغان	95389
پولیس نظم عامه ملی افغان	15017
پولیس سرحدی	22021
پولیس جنایی	3400
نیروهای پولیس محافظت عامه	16483
پولیس محلی	28376
نیروهای ویژه مبارزه با مواد مخدر	2759
قومیت در این تحقیق	
پشتون	662
هزاره	346
تاجیک	427
ازبک	54
ترکمن	15
غیره	153
گروه‌های سنی در این تحقیق	
< 21	226
21 _ 30	1120
31 _ 40	258
41 _ 50	38
51 _ 60	14
> 60	1

ضمیمهٔ 2: طراحی تحقیق و روش‌های استفاده‌شده

در این پژوهش، 1498 سرباز پولیس، 151 افسر و 8 مسئول عقیدتی (امام قطعه) در 11 ولایت افغانستان (بلخ، بامیان، غور، هیرمند، هرات، کابل، قندهار، کندوز، ننگرهار، پکتیا و پکتیکا) با تکمیل یک پرسشنامه تحت مدیریت محققان ساحوی شرکت کرده‌اند.

گروه پرسشگران ساحوی این تحقیق متشکل از 22 دانشجوی و فارغ‌التحصیل بومی از رشته‌های علوم سیاسی، روابط بین‌الملل، حقوق، تعلیم و تربیه، تجارت، ادبیات، فیزیک، کمپیوتر ساینس، جامعه‌شناسی و ژورنالیزم از مناطق تحت پوشش تحقیق بوده‌اند؛ که هیچ‌گونه وابستگی‌ای به نیروهای دفاعی و امنیتی افغانستان ندارند. علاوه بر دریافت یک آموزش دوروزهٔ رسمی در کابل دربارهٔ اخلاق و روش‌های تحقیق، هر پژوهشگر فورم بررسی اخلاقی را زیر نظر رئیس دیپارتمنت مطالعات صلح خانه‌پری کرده است. پژوهشگران ساحوی با هماهنگی و اجازهٔ قوماندانی امنیه هر ولایت با برنامه‌ای مشخص، کار ساحوی را با شماری از نیروهای امنیتی و دفاعی افغان با رتبه‌های مختلف شروع کردند. این تحقیق ابتدا به زبان انگلیسی نگاشته شده، سپس برای توزیع به زبان فارسی برگردان شد. علاوه بر تکمیل فردی پرسشنامه‌ها، تمام محققان، داده‌های یافت‌شدهٔ تحقیق را به صورت دستی در فایل اکسل ذخیره کرده، و به رئیس دیپارتمنت مطالعات صلح ارسال کردند. ایشان این داده‌ها را در نرم‌افزار SPSS گنجانده، سپس برای بازرسی، به زبان انگلیسی برگردان شد.

پژوهش‌های ساحوی عاری از مشکلات نبود. در اوایل، هدف این پژوهش بررسی افراط‌گرایی در نیروهای پولیس ملی و اردوی ملی افغانستان تعیین شد؛ اما با درنظرداشت جنگ‌های جاری، وزارت دفاع ملی تصمیم بر قطع دست‌رسی به این نیرو گرفت. دسترسی به نیروهای پولیس ملی نیز در نتیجهٔ شرایط مشابه و طی مراحل معمول اداری به تأخیر افتاد.

«من در پروژه نیروهای امنیتی افغانستان مشغول به کارم. پنجمین روز است که به قوماندانی امنیهٔ ننگرهار مراجعه می‌کنم و امروز توانستیم اجازه‌نامهٔ مصاحبه را دریافت کردیم. فردی که در وزارت داخله قرار بود با ما همکاری کند، تلاش می‌کند که مشکلات ما را حل کند؛ اما پولیس در این زمینه با ما همکاری نمی‌کند. هیچ یک از افسران صلاحیت کافی برای صادرکردن اجازه‌نامه را نداشتند. در چهار روز قبل ما بین دفاتر این ارگان سرگردان بودیم. دیگر اینکه داخل‌شدن در میان نیروهای پلس کار دشواری بود. امروز من از 10

پولیس مصاحبه گرفتم. مجبور بودم بارها خود را به همه معرفی کنم تا آنها آمادۀ جواب‌دهی به سؤالات من شوند. عدم اعتماد و بدگمانی نیز از مشکلات دیگر بودند.» (محقق ساحوی)

در هنگام انجام پژوهش‌های ساحوی، پژوهشگران با مشکلات زیادی روبه‌رو شده‌اند. به عنوان مثال در ناحیۀ سوم شهر کابل، مقاومت‌ها در برابر سؤالات پرسشنامه چنان مشهود بود که یکی از نیروهای پولیس ملی در یکی از پاسگاه‌های پولیس، در قبال پاسخ به سؤالات، خواهان دریافت مقداری پول شد. رفتارها و مقاومت‌های مشابهی نیز در هرات گزارش شده است که در آن نیروهای امنیتی در مقابل پاسخ به سؤالات جمعیتی محتاط عمل می‌کردند. اگرچه محققان برای جلب اعتماد پاسخ‌دهندگان تلاش حداکثری کردند، با این حال، پاسخگویان در قسمت جواب‌دهی به سؤالات، مخصوصاً دربارۀ گروه طالبان محتاط بودند. این امر نتیجۀ ناکامی فرماندهان محلی در توضیح درست پروژه برای مصاحبه‌شوندگان بود.

در واقع وقتی فرماندهان، مصاحبه‌شوندگان را در این زمینه آگاه می‌کردند، بعضی‌ها همچنان از همکاری ابا می‌ورزیدند. بنا به گزارش‌ها، در ولایت غور بعضی از مصاحبه‌شوندگان به صورت آشکار به بعضی از سؤالات جواب نمی‌دادند. در برخی از ولایات از جمله ولایت بامیان، گزارش‌ها حاکی از آن است که در ابتدا تحقیق جدی گرفته نشده بود. چنین اتفاقی در ولایت بلخ نیز مشهود بوده است. یکی دیگر از مشکلات گزارش‌شده، بی‌سوادی و ادراک نادرست سؤالات است که بیشتر در ولایات ننگرهار، بلخ و هلمند مشهود بوده است. این در حالی است که محققان ساحوی گزارش داده‌اند که سؤالات تحقیق را با دقت برای پاسخگویان توضیح داده‌اند. گزارش‌ها از هرات حاکی از آن است که محققان در حال جمع‌آوری اطلاعات تحقیق بودند که با سربازی زیر سن قانونی برخوردند؛ از این رو، تصمیم گرفتند از این پرسنل نیروهای پولیس مصاحبه نگیرند. در نهایت، از آنجایی که این تحقیق همزمان با حلول ماه مبارک رمضان بود، برخی‌ها برای پاسخ به سؤالات آن تمایل نداشته‌اند. علاوه بر نگرانی‌های امنیتی، ناهماهنگی میان ادارات پولیس ولایت ننگرهار نیز مشکلاتی را به بار آورد که حتی با ارائۀ اسناد و مجوز رسمی وزارت امور داخله، نیروهای امنیتی مشکل‌ساز بوده‌اند.

ضمیمهٔ 3: پرسشنامه

معلومات عمومی

1) تاریخ: / / 2015 ساعت: .....

2) پوسته/ جزوتام .....

3) ولسوالی ..... ولایت .....

مشخصات پاسخگو

4) سن .....

5) تحصیلات:

1- بی‌سواد ☐ 2- ابتداییه ☐ 3- لیسه ☐

4- چهارده پاس و لیسانس ☐ 5- ماستری ☐ 6- تعلیمات دینی/ مدرسه ☐

6) جنسیت: 1- مرد ☐ 2- زن ☐

7) حالت مدنی: 1- متأهل ☐ 2- مجرد ☐ 3- بیوه ☐

8) قومیت:

1- پشتون ☐ 2- تاجیک ☐

3- هزاره ☐ 4- ازبک☐

5- ترکمن ☐ 6- سایر اقوام ☐

9) از کدام قریه، ولسوالی و ولایت استید؟

ولایت: ..... ولسوالی: .....

قریه (شهر / ناحیه شهری): .....

مشخصات عمومی فرد

10) موقف و رتبه: .....

11) چه مدتی در پوسته/ جزوتام کنونی‌تان بوده‌اید؟ .....

12) چه مدتی با نیروهای امنیتی خدمت کرده‌اید؟ .....

13) پوسته/ جزوتام گذشتهٔ‌تان چه بود؟ .....

14) آیا شما به اردو/ پولیس از طریق یکی از برنامه‌های ادغام مجدد طالبان پیوسته‌اید؟

1- بله ☐ 2- نه ☐

بخش اول

1) پس از تمام‌کردن خدمت به نیروهای امنیتی، ترجیح می‌دهم:

1- به خانه و قریه‌ام برگردم ☐ 2- در کابل به سیاست بپردازم ☐

3- کلان قریه‌ام شوم ☐ 4- به اکادمی اردو یا پولیس بپیوندم ☐

5- ملا شوم ☐ 6- به دانشگاه بروم ☐ 7- به امریکا بروم ☐

44- دلیل دیگر.....

2) دلایل پیوستن‌تان با نیروهای امنیتی را از گزینه‌های پایین از 1 تا 5 انتخاب کنید. (دلایل زیر را از 1 تا 5 اولویت‌بندی کنید)

- برای جنگیدن با طالبان
- برای پول
- برای وطن‌دوستی
- برای محافظت از قریه‌ام
- دلایل دیگر (مجبور به پیوستن...): .....

3) آیا تاکنون در مبارزه علیه شورشیان در نزدیکی پوسته/ جزوتام‌تان سهم داشته‌اید؟

1- بله ☐ 2- نه ☐

4) عملیات در و یا در نزدیکی پوسته/ جزوتام‌تان هرچند وقت بعد اتفاق می‌افتند؟

.....

5) به نظر شما آیا در میان نیروهای نظامی برابری قومی وجود دارد؟

1- بله ☐ 2- نه ☐

6) اگر جواب شما «نه» است، پس کدام قوم امتیازات بیشتر می‌گیرد؟

.....

7) آیا فکر می‌کنید نیروهای نظامی در مقابل شورشیان پیروز می‌شوند؟

1- بله ☐ 2- نه ☐

8) مهمترین دلیلی که اعضای نیروهای نظامی به شورشیان می‌پیوندند، چی است؟

1- بهبود مشکلات اقتصادی ☐

2- نارضایتی از حکومت افغانستان ☐

3- چون فکر می‌کردند کارهای نیروهای نظامی غیراسلامی‌اند ☐

4- بنا بر نظر سران قومی ☐

5- بنا بر فشار طالبان بالای خانواده‌های‌شان ☐

44- دلیل دیگر .....

9) آیا به نظر شما رهبران مفسد در نیروهای نظامی وجود دارند؟

1- بله ☐ 2- نه ☐

10) **به نظر شما کدام رهبری، بیشترین احترام و مشروعیت را دارد؟ (فقط یک گزینه را انتخاب کنید)**

1- سران قومی ☐ 2- ملای قریه ☐ 3- فرمانده اردو ☐
4- سیاست‌مداران در کابل ☐ 5- رییس جمهور افغانستان ☐

11) **آیا با پیوستن طالبان به دولت موافق استید؟**

1- بله ☐ 2- نه ☐

12) **آیا طالبان دست‌نشاندهٔ کشورهای دیگر اند؟**

1- بله ☐ 2- نه ☐

13) **آیا طالبان به اساس اسلام عمل می‌کنند؟**

1- بله ☐ 2- نه ☐

14) **آیا طالبان در گذشته گاهی رهبران خوب دینی بوده‌اند؟**

1- بله ☐ 2- نه ☐

15) **به نظر شما آیندهٔ طالبان چه است؟**

1- جنگ را باخته به دولت می‌پیوندند ☐ 2- به جنگ ادامه می‌دهند ☐
3- پیروز می‌شوند ☐

16) **به نظر شما رهبران دولتی چگونه عمل می‌کنند؟**

1- به خود و منافع خود می‌اندیشند ☐ 2- به مردم افغانستان خدمت می‌کنند ☐
3- به منافع خارجی می‌اندیشند ☐

17) **آیا در دورهٔ گذشتهٔ انتخابات ریاست جمهوری رأی داده بودید؟**

1- بله ☐ 2- نه ☐

18) **آیا در انتخابات محلی‌تان رأی داده بودید؟**

1- بله ☐ 2- نه ☐

19) **به نظر شما سران قومی در شهر/ قریهٔ‌تان قدرت خود را به کی از دست داده‌اند؟**

1- زورمندان جنگی ☐ 2- دولت افغانستان ☐
3- طالبان ☐ 4- ملاها ☐
5- خارجی‌ها ☐ 6- قاچاقچیان مواد مخدر ☐
7- قدرت خود را از دست نداده‌اند☐

20) **به نظر شما در چهار سال گذشته کی‌ها شهر/ قریهٔ‌تان را اداره می‌کردند؟**

1- زورمندان جنگی ☐ 2- دولت افغانستان ☐
3- طالبان ☐ 4- ملاها ☐
5- خارجی‌ها ☐

21) **به نظر شما در هشت سال گذشته کی‌ها شهر/ قریهٔ‌تان را اداره می‌کردند؟**

1- زورمندان جنگی ☐ 2- دولت افغانستان ☐
3- طالبان ☐ 4- ملاها ☐
5- خارجی‌ها ☐

22) سران قومی در شهر/ قریهٔتان در کدام سال‌ها قدرت اصلی را در دست داشتند؟ (می‌توانید چند گزینه را انتخاب کنید)

1- ☐ 2004 – 2006
2- ☐ 2006 – 2008
3- ☐ 2008 – 2010
4- ☐ 2010 – 2012
5- ☐ 2012 – 2014
6- ☐ هیچ کدام

23) برای‌تان چند جمله در مورد حکومت‌داری در افغانستان می‌خوانم. بگویید که آیا با آنها کاملاً موافق، تا حدی موافق، تا حدی مخالف و یا کاملاً مخالف استید.

پرسش	کاملا موافق	تاحدی موافق	نامطمئن	تاحدی مخالف	کاملا مخالف	نظریات
23-1: دولت افغانستان مشروعیت کامل اسلامی دارد						
23-2: دولت و سیاست‌مداران افغانستان تحت تأثیر ارزش‌های غربی‌اند						
23-3: دموکراسی با جامعهٔ افغانی سازگار است						
23-4: دولت افغانستان به منافع مردم فکر می‌کند						
23-5: خشونت و مقاومت نظامی علیه دولت زمانی مشروعیت دارد که:						
الف: مقامات مفسد باشند						
ب: مقامات به ارزش‌های سنتی توجه نکنند						
پ: مقامات به حرف‌های علمای دینی توجه نکنند						
ت: مقامات اسلام را زیر انتقاد ببرند						
ث: خشونت علیه دولت هیچ وقت قابل توجیه نیست						
23-6: با وجود حاکمیت قانون، هر مسلمان مکلف است در مقابل کسانی که قوانین اسلامی را می‌شکنند، مبارزه کند						
23-7: تنها نیروهای نظامی می‌توانند در مقابل کسانی که قوانین ملی و اسلامی را می‌شکنند، برخورد کنند						
23-8: سران قومی می‌توانند بدون در نظرداشت احکام قانون جرگه برگزار نموده و تصمیم‌ها و مجازات خود را تحمیل کنند						
23-9: همهٔ افغان‌ها وظیفه دارند تا از آرمان‌ها و ارزش‌های دولت دفاع کنند						

23-10: طالبان هنوز هم در کشور از مشروعیت برخوردارند						
23-11: شرکت‌کردن و رأی‌دادن در انتخابات، برای رهبران کشور و برای آیندۀ افغانستان مهم است						

بخش دوم

1) متعلق به کدام مذهب استید؟

1- سنی حنفی ☐ 2- سنی سلفی ☐
3- شیعه جعفری ☐ 4- شیعه اسماعیلی ☐
5- سایر مذاهب ☐

2) به نظر شما آیا مسلمانان اجازۀ وردود به توافقات صلح با غیرمسلمانان را دارند؟

1- بله ☐ 2- نه ☐

3) به نظر شما علت اصلی جنگ در افغانستان چه است؟

1- مشکلات قومی ☐ 2- مشکلات دینی ☐
3- کشورهای خارجی (نام کشور یا کشورها): .....
44- عوامل دیگر: .....

4) به نظر شما حملات انتحاری:

1- یک نوع مقاومت مسلحانه قابل‌توجیه در مقابل غیرمسلمانان است ☐
2- یک نوع مقاومت مسلحانه قابل‌توجیه در مقابل مسلمانان و غیرمسلمانان ☐
3- غیر قابل توجیه در اسلام ☐
44- سایر موارد: .....

5) برای‌تان چند جمله در مورد دین می‌خوانم. بگویید که آیا با آنها کاملاً موافق، تاحدی موافق، تاحدی مخالف و یا کاملاً مخالف استید.

پرسش	کاملا موافق	تاحدی موافق	نامطمئن	تاحدی مخالف	کاملا مخالف	نظریات
5- 1: تمام مذاهب و مراسم آنها باید احترام شوند						
5- 2: غذا خوردن در یک میز با غیرمسلمانان عادی است						
5- 3: مقاومت مسلحانه علیه غیرمسلمانان وظیفۀ هر مسلمان است						

5- 4: بیشتر مذاهب بالای جامعه تأثیر خوب می‌گذارند						
5- 5: ازدواج با فردی از یک مذهب دیگر، قابل قبول است						
5- 6: استقرار خلافت اسلامی وظیفهٔ هر مسلمان است						
5- 7: مردم همه ادیان قابل احترام‌اند						
5- 8: دست دادن با غیرمسلمانان مشکلی ندارد.						
5- 9: اگر کسی از دین دیگری به همسایگی من بیاید، مشکلی نیست.						
5- 10: جهاد مسلحانه علیه غیرمسلمانان وظیفهٔ همهٔ مسلمانان است						
5- 11: افغان‌ها می‌توانند در صلح و آرامش با جهان زندگی کنند.						
5- 12: اسلام تمام انواع خشونت را رد کرده است						

بخش سوم

1) آیا افغان‌ها مکلف‌اند که از کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر و حقوق زن پیروی کنند؟

1- بله ☐ 2- نه ☐

2) اگر افغانستان کنوانسیون‌های بین‌المللی را نقض کند، آیا جامعهٔ جهانی حق مداخله و پیگرد قانونی را دارد؟ 1- بله ☐ 2- نه ☐

3) آیا ارزش‌ها و ایده‌آل‌های بین‌المللی با اسلام سازگار استند؟

1- بله ☐ 2- نه ☐

3- تا حدی (تشریح کنید) .....

4) مشروعیت قوانین ذیل در مورد حقوق بشر و حقوق زن را از 1 تا 4 (1= برخوردار از زیادترین مشروعیت تا 4= برخوردار از کمترین مشروعیت) رتبه‌بندی کنید:

- قوانین دینی / شریعت
- قوانین سنتی/ جرگه‌ها
- دولت افغانستان
- قوانین بین‌المللی

5) برای‌تان چند جمله در مورد ارزش‌ها و قوانین بین‌المللی می‌خوانم. بگویید که آیا با آنها کاملاً موافق، تا حدی موافق، تا حدی مخالف و یا کاملاً مخالف استید.

پرسش	کاملا موافق	تا حدی موافق	نامطمئن	تا حدی مخالف	کاملا مخالف	نظریات
5- 1: قوانین شرعی می‌توانند جایگزین قوانین بین‌المللی شوند.						
5- 2: رسوم و قوانین سنتی می‌توانند جایگزین قوانین بین‌المللی شوند.						
5- 3: قوانین بین‌المللی می‌توانند جایگزین همهٔ قوانین دیگر شود.						
5- 4: سران قومی صلاحیت و اقتدار نهایی را در مسایل حقوق بشر و حقوق زن در قریه/ شهر من دارند.						
5- 5: رهبران مذهبی صلاحیت و اقتدار نهایی را در مسایل حقوق بشر و حقوق زن در قریه / شهر من دارند						
5- 6: دولت افغانستان صلاحیت و اقتدار نهایی را در مسایل حقوق بشر و حقوق زن در قریه/ شهر من دارند						
پرسش	کاملا موافق	تا حدی موافق	نامطمئن	تا حدی مخالف	کاملا مخالف	نظریات
5- 7: زنان می‌توانند من‌حیث وزیر، ایفای وظیفه نمایند.						
5- 8: نظر به ارزش‌های جامعهٔ افغانستان، زنان می‌توانند در فعالیت‌های سیاسی اشتراک کنند.						
5- 9: من با کارکردن زیر دست یک فرماندهٔ زن مشکلی ندارم.						
5- 10: اسلام به زنان اجازهٔ کار در بیرون از منزل را می‌دهد.						

5- 11: نظر به ارزش‌های جامعهٔ افغانستان، زنان اجازهٔ کار در بیرون از منزل را دارند.						
5- 12: زنان در هیچ صورتی اجازهٔ کار در بیرون از منزل را ندارند.						
5- 13: ازدواج با دختری که با دولت یا یک سازمان جامعهٔ مدنی کار می‌کند، بدی ندارد.						
5- 14: این ارزش‌های پذیرفته‌شدهٔ جامعهٔ بین‌المللی با ارزش‌های جامعهٔ افغانستان سازگار استند:						
الف: زنان در تمام حقوق، با مردان مساوی‌اند.						
ب: همه دختران باید اجازهٔ رفتن به مکتب را داشته باشند.						
پ: خشونت علیه زنان به هیچ وجه قابل قبول نیست.						
ت: مردان و زنان، هر دو، باید آزادی مطلق در اظهار نظر و صحبت داشته باشند.						
ث: اگر زنان از قوانین اسلامی و فرهنگی اطاعت نکنند، می‌توان آنها را لت‌وکوب و کرد.						

معرفی نویسندگان

رابرت زمان: دانشجوی مقطع دکترای دانشگاه مطالعات بین‌الملل کِنت بوده و در رشتهٔ تحلیل منازعات بین‌المللی مشغول به تحصیل است. وی مدرک لیسانس خود را در رشتهٔ اقتصاد از دانشگاه مریلند در شهر کالج پارک ایالت مریلند اخذ کرده و مدرک ماستری خود را در رشتهٔ روابط بین‌الملل از دانشگاه کنت شهر سنتربری انگلستان به دست آورده است. رابرت، همچنان به عنوان پژوهشگر مهمان در دانشگاه امور خارجهٔ چین در پکن در بخش دیپلماسی و روابط بین‌الملل شرکت کرده است. وی در زمینهٔ امنیت و انکشاف در دانشگاه وسالیوس، دوره‌هایی را تدریس نموده و در بخش روش و اساسات تحقیق در دانشگاه مطالعات بین‌الملل بروکسل مربی آموزشی است. علاوه بر مفهوم افراط‌گرایی، وی به نقش ساختارهای سنتی و فاکتورهای نفوذ بر پویایی دولت‌سازی در کشورهای درگیر جنگ و بعد از جنگ علاقه‌مند است.

جنرال عبدالهادی خالد: معین اسبق وزارت داخلهٔ افغانستان می‌باشد. پیش از معینیت، وی من‌حیث قومندان واحد نیروی ویژهٔ مبارزه با مواد مخدر و معین امنیتی وزارت مبارزه با مواد مخدر مشغول به انجام وظیفه بوده است. جنرال خالد تحصیلات لیسانس خود را در آکادمی نظامی کابل در سال 1977 تمام کرده و تحصیلات خود در مقطع ماستری را در طول سال‌های 1980 و 1985 در دانشگاه عالی نظامی مینسک در شوروی سابق، در رشته تاریخ و فن تعلیم نظامی به پایان رسانده است. وی همچنان من‌حیث پروفسور مهمان در دانشگاه دنیا با حفظ سمت مشاوریت ارشد امنیتی حکومت افغانستان، مشغول به کار است. جنرال خالد به زبان‌های روسی، دری، پشتو و انگلیسی تسلط کامل دارد. وی در حال حاضر، من‌حیث پژوهشگر انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان، در کابل مصروفیت دارد

تماس با ما:

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان (AISS)

قلعۀ 9 برجه، کارته پروان، کابل، افغانستان

پست‌بکس: 5214 پسته‌خانۀ مرکزی

www.aiss.af
contact@aiss.af
www.facebook.com/afghaninstituteforstrategicstudies
Twitter: @aissofficialpag
Linkedin: Afghan Institute for Strategic Studies

استفادۀ تجاری از تمام نشرات انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان، بدون موافقت کتبی این نهاد جداً ممنوع است.

تجزیه‌وتحلیل‌های ارایه‌شده در این گزارش، متعلق به تیم تحقیقاتی انستیتوت بوده و موضع رسمی انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان (AISS) و مؤسسۀ ایالات متحده برای صلح (USIP) نمی‌باشد.